



نشریه قدم _ شماره ۱۸۱ _ سال نهم _ ۱۳۹۹

قره باغ توقف جنگ، آغاز چالش‌ها

این قصه سر دراز دارد

اعتراضات و پاسخ‌ها

جای خالی اندیشه

خوان هفتم

جان پدر کجاستی؟

بی سامانی سامانه‌ها



قدم

انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشکده حقوق و علوم سیاسی

مدیر مسئول: امیرحسین ناصحی

سر دبیر: کیمیا محمدزاده

طراحی جلد و صفحه آرایی: فرشته اکبری

هیئت نویسندگان:

عدلیه: نسترن محمد حسینی

امور داخله: علیرضا مقتدایی

زهرا عدالتفر

علی میرزاخانی

پرینسا زارع

محمد نوروزی

فرنگ نامه: فرشته اکبری

مریم حاجی محمدی

سمیرا کریمشاهی

امیرحسین ناصحی

لازم به ذکر است با عنایت به درج مطالب تحقیقی _ پژوهشی، حقوق کلیه مطالب مندرجه برای نشریه قدم محفوظ می باشد. همچنین یادآور می شود که نظرات و عقاید مندرج در این نشریه لزوماً مبین رای و نظر مسئولان نشریه نمی باشد.



شماره ۱۸۱ - سال نهم - ۱۳۹۹



ghadr_motlagh



ghadr__motlagh

◆ فهرست

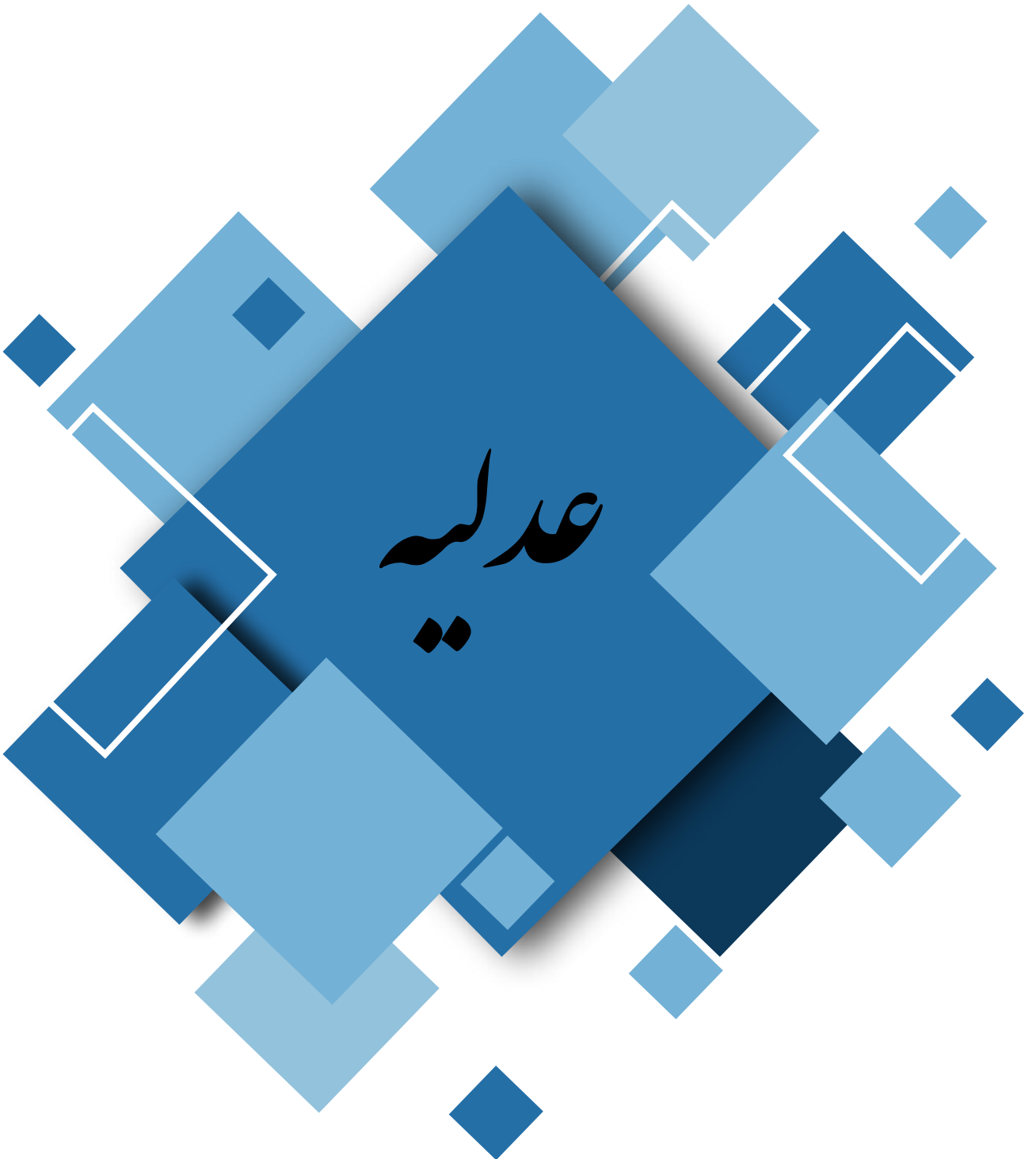
۲	بی سامانی سامانه ها
۵	اعتراضات و پاسخ ها
۹	این قصه سر دراز دارد
۱۲	خوان هفتم؟
۱۵	میزان و چگونگی صادرات نفت
۲۵	جای خالی اندیشه
۲۸	جان پدر کجاستی؟
۳۱	جو بایدن؛ روایت دوستی یا مخاصمه؟
۳۳	قره باغ توقف جنگ، آغاز چالش ها
۳۶	پایان جنگ قره باغ

سخن سردیر

کیما محمدزاده

نشریه قدم به عنوان یک نشریه دانشجویی، رسالت خود را در تحلیل هرچه بهتر و دقیق تر موضوعات و مسائل روز سیاست، اقتصاد، جامعه و... می بیند. این مهم زمانی تحقق می یابد که در مقام یک دانشجو سعی در نگارش یادداشت های تخصصی داشته باشیم. امید داریم قدم به قدم نشریه را ارتقا دهیم و در ابعاد مختلف جامعه حرفی برای گفتن داشته باشیم. اما همچنان به نظرات و پیشنهادات سازنده شما برای پویایی و کیفیت بهتر نشریه نیازمندیم.

با همراهی شما عزیزان به شماره پنجم قدم رسیدیم. تا به اینجا با تمرکز بر روی بخش های عدلیه، امور داخله و فرنگ نامه تلاش بر شناخت دقیق مسائل و چگونگی مواجهه دغدغه مندان دانشجویی داشتیم. در این شماره با ادامه ی سیر عدلیه، بحث سامانه شفافیت را با محوریت مطالبه گری و اثرگذاری پیگیری خواهیم کرد. در بخش امور داخله نیز به دلیل گذشت یک سال از اعتراضات مردم برای گران شدن بنزین در آبان ماه ۹۸ به تحلیلی از این واقعه پرداخته شد. همچنین با در نظر گرفتن روزهای کرونایی و محدودیت ها، ریشه یابی از این مسئله صورت گرفت. در نوشته های دیگر، به چرایی طولانی شدن اعتراضات هفت تپه قلم فرسوده شد. در بخش امور داخله به طور خاص درباره چگونگی صادرات نفت در روزهایی که ایران از تحریم ها رنج می برد؛ نیز یادداشتی نوشته شد. در آخر هم به یاد استاد ارجمند، دکتر فیرحی یادداشتی به تحریر درآمد. در بخش فرنگ نامه نیز به ماجرای تلخ حادثه ی انفجار و تیراندازی دانشگاه کابل توجه شد. از طرف دیگر، در ادامه ی سیر تحلیل و بررسی که درباره انتخابات آمریکا داشتیم، به موضع جو بایدن پرداخته شد. و در نهایت به دلیل اهمیت موضوع توافق ارمنستان و آذربایجان برای ایران در دو یادداشت به تحلیل این واقعه ترتیب داده شد. این شماره را تقدیم می کنیم به روح بزرگوار استاد داود فیرحی. استادی که هم از نظر منش و اخلاق و هم از نظر جایگاه علمی، انسانی ارزشمند بود. ضمن عرض تسلیت به جامعه علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، امید است با شناخت اندیشه ها و آثار ایشان، زحمات علمی استاد را ارج بنهیم و در حد توان خود در بسط اندیشه گانی ایشان قدم برداریم.



بی سامانی سامانه ها

نسترن محمد حسینی

کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه تهران



در شماره‌های گذشته، از اهمیت شفافیت و لزوم وجود سامانه‌ها جهت تحقق این هدف سخن گفته شد. همان طور که گفته شد، یکی از راه‌های مقابله با فساد موجود در بروکراسی اداری و هم‌چنین جریان‌های اقتصادی، وجود شفافیت است. در این نوشتار تلاش بر این است که موانع موجود برای سامانه‌محوری در کشور را بررسی کنیم. تفهیم اهمیت و جایگاه شفافیت، از مهم‌ترین پیش‌نیازهای توسعه سامانه‌های شفافیت اطلاعات، در کشور است. تفهیم این اهمیت هم در میان دستگاه‌های حاکمیتی و هم در میان مردم از اهمیت بالایی برخوردار است. در شرایط حال حاضر، برای از میان بردن باورهایی که موجب تضعیف روند سامانه‌محوری-که تنها یکی از گام‌های ابتدائی برای تحقق شفافیت در کشور می‌شود- باید گام برداشت و به تعمیق باورهای درست در این رابطه، کمک کرد. از آن جا که سامانه‌ها در چهار مرحله تولید و کسب اطلاعات، ذخیره و بازیابی داده‌ها، تبادل درونی و افشا و انتشار، در فرایند شفافیت اطلاعات، به طور هم‌زمان، عمل می‌کنند، بنابراین، سامانه تنها به معنی الکترونیکی کردن اسناد و داده‌ها نیست. بلکه یک چرخه تکاملی، در جهت خودتصحیح سازی ایجاد می‌کنند و اطلاعات خود را پیوسته در معرض تحلیل قرار می‌دهند و به همین جهت از درجه بالایی از صحت اطلاعاتی برخوردارند. این امر موجب بازدارندگی نظام‌مند و سیستماتیک از وقوع جرم شده و فساد را از میان می‌برد. یکی از احکام قانون برنامه پنجم توسعه، به این می‌پردازد که ضمن

برای شفاف‌سازی این بخش پیش‌بینی کرده. اما در عمل استفاده از این سامانه‌ها محدود است. با توجه به آنکه استفاده درست از سامانه‌ها، موجب تحول در فرایندهای اداری شده و سازمان‌های حاکمیتی را تحت تاثیر خود قرار خواهد داد، و همچنین موجب از میان رفتن رانت‌ها و مفاسد بسیاری خواهد شد، طبیعتاً با مقاومت‌هایی از سوی صاحبان منافع وضع فعلی روبه‌رو خواهد بود که مسیر توسعه سامانه‌ها را کند می‌کند.

در این بین، مردم هم انتشار اطلاعات تولید شده و نظارت از پایین به بالا نسبت به اطلاعات را باید حق طبیعی خود دانسته و توجه به مقوله شفافیت را به یک مطالبه عمومی در سطح جامعه تبدیل کنند. حاکمیت موظف است اطلاعات را بدون دریافت وجه، به عنوان یکی از وظایف بخش عمومی، در اختیار همگان قرار دهد. محرمانه‌زدایی از اطلاعات و وجود یک چهارچوب مشخص در جهت محرمانه‌سازی اطلاعات، یکی دیگر از مواردی است که باید مورد مطالبه از پایین به بالا، جهت تحقق شفافیت قرار گیرد. زیرا که در تقسیم‌بندی اطلاعات، در خصوص محرمانگی، به جای وجود قواعد مشخص، روند دلبخواه اتخاذ می‌شود.

امید است با چاره‌اندیشی در خصوص تعیین نهادی با صلاحیت و ثبات، که مدیریت وضعیت سامانه‌های اطلاعاتی را در کشور بر عهده گیرد، در جهت رسیدن به شفافیت، شاهد گام‌های رو به جلو باشیم.

توسعه هر چهار بعد مربوط به زیرساخت سامانه‌ها، کلیه دستگاه‌های اجرایی باید به شبکه ملی اطلاعات متصل شده، و کلیه خدمات خود را به صورت الکترونیکی از طریق این شبکه ارائه دهند. که این حکم از قانون برنامه پنجم توسعه، تاکنون محقق نشده است. تحقق این حکم متضمن این است که این باور میان دستگاه‌های حاکمیتی تعمیق شود که اشتراک‌گذاری بین دستگاهی اطلاعات، موجب هم‌افزایی شده و کارآمدی مجموعه حاکمیت را ارتقا می‌دهد. علاوه بر آن سازمان‌ها و دستگاه‌ها پس از ایجاد سامانه‌ها باید به تحلیل اطلاعات و دستاوردها و همچنین به صحت‌سنجی اطلاعات خود پرداخته و در جهت به روزرسانی و اشتراک اطلاعات با سامانه‌های سایر دستگاه‌ها عمل کنند، در غیر این صورت ناکارآمدند و سامانه‌های موجود در کشور ما نیز به علت فقدان این اقدامات، ناکارآمدند. همچنین طبق بند «ب» ماده ۴۶ قانون برنامه پنجم توسعه، کلیه دستگاه‌های اجرایی مکلف به تبادل و اشتراک‌گذاری رایگان اطلاعات هستند، اما یکی از آسیب‌های وضع موجود سامانه‌ها خارج شدن قوه قضائیه از شمول این بند است. این امر موجب عدم همکاری قوه قضائیه با سایر دستگاه‌ها می‌شود و روند هم‌افزایی بین دستگاهی و توسعه سامانه‌ها در کشور را کند می‌کند. زیرا که کلیه اطلاعات مربوط به ثبت اسناد و املاک، حوزه زمین و مسکن و کلیه روابط حقوقی، در زیر مجموعه قوه قضائیه استخراج می‌شود.

همچنین با وجود سهم قابل توجه دولت در اقتصاد ایران، معاملات دستگاه‌های دولتی چندان شفاف نیست. قانون‌گذار در قوانین و مقررات مرتبط با زیرساخت‌های سامانه‌ها، تکالیفی را برای راه‌اندازی سامانه‌های زیرساختی، برای دستگاه‌های اجرایی وضع نموده و سامانه‌هایی را



امور داخله



اعتراضات و پاسخ‌ها

علیرضا مقتدایی

کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه تهران

در تاریخ فلسفه آمده است که دکارت، فیلسوف معروف عصر روشنگری، هنگامی که محتوای کوتاه و مُجَمَل کتاب «تاملات در فلسفه اولی»^۱ را در باب موضوعاتی چون حقیقت نفس و خدا و هستی به نگارش در آورد، مورد انتقاد بسیاری از معاصران خویش قرار گرفت. دکارت، ساکت ننشست و موضع منفعلانه‌ای در باب این اعتراضات پیشه نکرد؛ چه بسا به طور جدی تمام تلاش خود را نمود تا به همه اعتراضات منطقی، غیر منطقی و بی مورد پاسخی درخور ارائه دهد و سرانجام این تلاش وصف ناپذیر دکارت، به نگارش درآمدن کتابی قطور است که امروزه با عنوان «اعتراضات و پاسخ‌ها»^۲ شناخته می‌شود. بسیاری از پژوهشگران و راویان فلسفه غرب بر این باورند که اگر دکارت، به این اعتراضات پاسخ نمی‌داد، موج اعتراضات به جا و بی جایی که بر علیه او ایجاد شده بود، به جایی می‌رسید و این ظرفیت را داشت تا بتواند مطالب فلسفی و نگرش عمیق عقلی او را از اعتبار ساقط کند و حتی کاری کند که دکارت، به تاریخ گمشدگان در فلسفه پیوندد و امروزه آنچه به عنوان میراثی گرانبها از دکارت پدر فلسفه مدرن برجای مانده است، تنها مدیون پاسخ‌های دقیقی است که به اعتراضاتش

داد!

۱ _ Meditations on first philosophy

۲ _ Meditations, objections, and replies

جمعه ۲۴ آبان ۱۳۹۸، خبر سهمیه بندی سوخت و افزایش قیمت بنزین اعلام شد. در پی این تصمیم گیری حاکمیتی^۱، موج اعتراضاتی از سمت مردم آغاز شد و در سرتاسر کشور چنان شعله کشید که کلمه آبان ۹۸، وارد دایره واژگان سیاسی مردم ایران شد. اگرچه این اعتراضات و جو متشنج کشور بعد از مدتی به آرامش برگشت، اما از نظر نگارنده این سطور، به قدری تحلیل این واقعه مهم است که نباید به سادگی از کنار آن عبور کرد و این واقعه را به فراموشی سپرد. لذا این واقعه را از جنبه جامعه شناختی می‌توان مورد تحلیل قرار داد.

اولین نکته ای که باید به آن پرداخته شود، وجه تمایز و تفاوت اعتراضات آبان ۹۸ با اعتراضاتی از این قبیل در سالیان قبل است.

در سال ۷۸، اعتراضاتی شکل گرفت که هسته مرکزی آن را دانشجویان تشکیل دادند و دغدغه آنها، حرکت به سمت دموکراسی و آزادی بیانی بود که در دولت اصلاحات حرف آن به میان آمد؛ اتفاقی که برای روزنامه سلام افتاد، جرقه شروع اعتراضاتی شد که در تاریخ، از آن به «ماجرای کوی دانشگاه» یاد می‌شود.

در سال ۸۸ و در دوره دهم انتخابات ریاست جمهوری در پی اعلام نتایج آراء، شهرهای مختلف ایران، از جمله تهران، مشهد، اصفهان، و شیراز شاهد اعتراضات مردمی به نتایج آرا بود. این بار نه فقط یک قشر خاص مثل دانشجویان، که گستره ای از مردم که حامی کاندیدی دیگر بودند، به صف اعتراضات پیوستند و پس از درگیری‌هایی که در سطح کشور میان مردم و نیروهای

امنیتی شکل گرفت، اوضاع کشور متشنج شد. از این حادثه، به «اعتراضات انتخابات سال ۸۸» یاد می‌شود. در زمستان سال ۹۶، مجموعه اعتراضات و تجمعات رهبری نشده مردمی در اعتراض به گرانی های پی در پی و اوضاع نامطلوب اشتغال و سیاست های ناموفق اقتصادی دولت شکل گرفت و خاستگاه این اعتراضات، شهر مشهد بود ولی آرام آرام با فراخوان هایی که منتشر می‌شد، شهرستان ها و مراکز شهرها، میدان تجمع و اعتراضات مردمی شد. این بار برخلاف دفعات گذشته، موضوع اعتراض، یک مسئله خاص مربوط به یک قشر و گستره نبود بلکه عموم مردم و قشر متوسط را در بر می‌گرفت. از این اعتراضات با عنوان «اعتراضات دی‌ماه ۹۶» یاد می‌شود.

در آبان‌ماه سال ۹۸، در پی گران شدن بنزین، این بار در سراسر کشور (شهرها و حاشیه های شهری) اعتراضات مردمی شکل گرفت. بر خلاف اعتراضات قبلی، اعتراضات سال ۹۸ تمامی کشور و مردم علی‌الخصوص قشر متوسط رو به پایین را در بر گرفت. حجم خشونت در این اعتراضات به قدری زیاد بود که چند صد نفر کشته شدند.^۲ نکته مهم در تحلیل اعتراضات ۹۸ که آن را با سایر اعتراضات پیشین متمایز می‌کند، حضور عمده جوانان و نوجوانان در این وقایع بود، به طوری که چندین نوجوان دهه هشتادی نیز در جریان حضور در این اعتراضات کشته شدند.

و اما نکته کلی و مهمی که باید به آن اشاره شود این است که اعتراضات ذکر شده، در یک مورد اشتراک دارند و آن این است که در هیچ کدام از این اعتراضات

۲ - رئیس کمیسیون امنیت ملی در دوره دهم مجلس با ارائه آماری از خسارات جانی و مالی حوادث آبان ۹۸، تعداد کشته‌های این حوادث را ۲۳۰ نفر اعلام کرد.

۱ - تصمیم گیری مشترک سران سه قوه و حمایت رهبری از این تصمیم



که روش دست یافتن به خواسته‌ها نیز معکوس شود. از این جهت است که هر بار، خشونت نسبت به دفعه قبلی افزایش پیدا می‌کند. به عبارتی، هرچه دغدغه و مسئله اعتراضی مردم، کلی‌تر، ساده‌تر و معیشتی باشد (مثل گرانی و وضع بد اقتصادی و عدم توانایی در رفع نیازهای اولیه مثل مسکن و...)، خشونت نیز بیشتر خواهد شد. مسئله مهم بعدی، ضعف رسانه‌ای حاکمیت در پرداختن به چنین موضوعاتی است. اصولاً رسانه‌ها با کارکرد مهمی که در بحث اقناع عمومی دارند، به خوبی می‌توانند اوضاع متشنج را آرام کنند. اما آنچه مشاهده شد این بود که رسانه ملی به ویژه بخش خبری، در بازنمایی اتفاقات و اعتراضات و حوادثی که در کشور اتفاق افتاد به قدری ناشیانه عمل کرد که می‌توان بخش قابل توجهی از ادامه دارشدن اعتراضات و گسترش آن را همین عملکرد ضعیف رسانه ملی دانست.

همچنین در اقدامی هم‌راستا با عملکرد رسانه ملی، می‌توان به اقدام شورای عالی امنیت ملی و وزارت ارتباطات مبنی بر قطع کردن اینترنت در سراسر کشور و همچنین محدود کردن دسترسی مردم به شبکه‌های اجتماعی از طریق فیلترینگ اشاره کرد. مسؤولین در توجیه این اقدام، به حفظ امنیت کشور و عدم سوء استفاده از اینترنت اشاره کردند.^۳ این اقدام، شاید در وهله نخست باعث آرامش نسبی شود اما به مرور زمان باعث ایجاد و یا افزایش حس تنفر و انزجار میان مردم

۳ - علی ربیعی، سخنگوی دولت، گفت: «چنانچه اطمینان حاصل شود که سوء استفاده‌ای صورت نمی‌گیرد اینترنت استان‌های مختلف به تدریج وصل می‌شود.»

او همچنین در جای دیگری گفت: «همه ما می‌پذیریم که گاهی ناچاریم هزینه سوء استفاده از فناوری را بپردازیم که البته قطع اینترنت مقطعی است، اما امنیت برای ما بسیار مهم‌تر بود.»

مردمی بدین شکل، از سمت صاحبان قدرت به طرز دقیق و شفاف و صحیح، پاسخی موجه داده نشده است که از این باب می‌توان برای نهاد حاکمیت، احساس خطر جدی داشت!

در بررسی علل شکل‌گیری اعتراضات ایران با توجه به موارد ذکر شده در فوق می‌توان بیان داشت که هدف اعتراضات مردم، به مرور زمان از مسائل و موضوعات خاص و نسبتاً جزئی به موضوعات عام و کاملاً کلی تغییر کرده است. یعنی از اعتراضات سال ۷۸ نسبت به آزادی بیان و مطبوعات شروع شده، با مسئله دموکراسی و انتخابات صحیح ادامه پیدا می‌کند و به مسئله عام‌تری چون معضل عدم وجود اشتغال و وضع بد اقتصادی تبدیل شده و در نهایت، به مهم‌ترین مسئله یعنی مسئله فقر و فشار بیش از حد به مردم در سال ۹۸ می‌رسد.

بر خلاف برخی تحلیل‌های جامعه‌شناختی که آغاز روند دگرگونی و تغییر اساسی در ساختار یک نظام سیاسی را با توجه به برداشتی از هرم مازلو، از دغدغه‌های سطحی و نیازهای اولیه مردم می‌داند که به مرور به دغدغه‌های والاتر و هویتی تبدیل می‌شوند، ما در سیر اعتراضات مردمی در کشور، شاهد عکس این ماجرا هستیم که به نوبه خود قابل تأمل می‌باشد!

نکته مهم این است که اگرچه مطابق تحلیل توسعه‌بر اساس هرم مازلو، تغییر و دگرگونی، با توجه به بالا رفتن دغدغه و خواست مردم، به صورت مدنی و آرام و بدون ایجاد تشنج در فضای عمومی کشور شکل می‌گیرد، اما دقیقاً برعکس این تحلیل در ایران رخ داده است. یعنی سیر تحول اعتراضات، به دلیل کلی شدن خواسته‌ها و دغدغه‌های مردم (برعکس تحلیل قبل)، باعث می‌شود

شود و به مراتب درجه خشونت را بالاتر ببرد.

در باب آینده پژوهی پیرامون این اعتراضات و اینکه در چه زمانی، چگونه و به چه صورت رخ خواهد داد، با عاریه گرفتن نکاتی از تحلیل بالا، می توان چنین بیان داشت: آنچه در اعتراضات ۹۸ رخ داد، نشانگر یک خطر و بحران جدی برای حاکمیت بود. بحرانی که نشان داد اگر به خواسته ها و مطالبات مردم به درستی و آنگونه که شایسته این ملت است پاسخ داده نشود، درجه و حدود خشونت این اعتراضات مردمی بالا و بالاتر خواهد رفت و کنترل اوضاع به هر وسیله ای حتی از طریق سرکوب، به شدت سخت خواهد شد.

باید این نکته را در نظر داشت که هنگامی که در آبان سال ۹۸ بنزین گران شد، وضعیت اقتصادی کشور در کل نسبت به اکنون نه تنها بدتر نبود که بهتر نیز بود. طی این یکسال با افزایش شدید تحریم ها و همچنین افزایش نرخ دلار و طلا و به تبع گران شدن اجناس علی الخصوص اجناس اولیه و مایحتاج عادی زندگی مردم، مردم از وضعیت اقتصادی و ناکارآمدی دولت به شدت ناراضی هستند. این نارضایتی به دولت محدود نمی شود و به نارضایتی علیه کل سیستم و حاکمیت تبدیل شده است. گواه این سخن، مشارکت بسیار پایین مردم در انتخابات مجلس شورای اسلامی در اسفند ۹۸ است. مردم با مشارکت بسیار پایین خود نشان دادند که از اصلاح وضع موجود سرخورده شده و بسیار ناراضی هستند.

مجلس یازدهم که این بار با جمع کثیری از اعضای اصولگرا در قالب «شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی» و... شکل گرفته، فقط هفت ماه (زمان تا سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری) فرصت دارد تا با عملکردی صحیح و مناسب بتواند اعتماد از دست رفته مردم را بازگرداند و سرخوردگی به وجود آمده مردم را منتفی سازد. هرچند این اتفاق، سخت به نظر می رسد چرا که طبق نظر برخی صاحب نظران، این مجلس هویت مستقلی برای خود ندارد و هویتش تنها در ضدیت با دولت تعریف می شود^۴، اما چه می شود کرد که انسان به امید زنده است...!

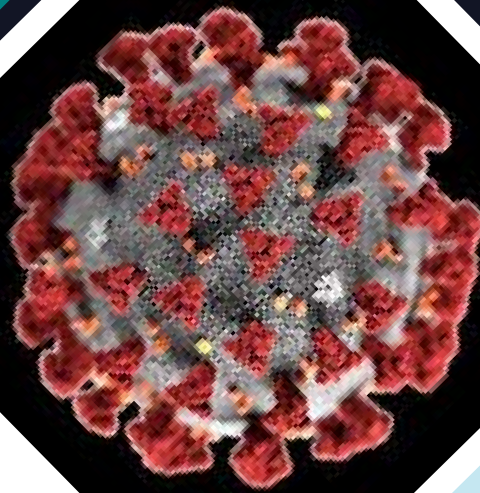
تحلیل نهایی بر این است که این حس سرخوردگی و نارضایتی جامعه و مردم از وضع موجود در حال انباشته شدن بر روی هم است، دقیقاً حالتی همانند انرژی پتانسیل یک فنر^۵ کاملاً جمع شده زیر یک برگه کاغذ^۶ و فقط نیاز به یک انرژی کوچک برای رها شدن دارد تا سبب شود آنچه را که نباید...!

علی ایحال به نظر می رسد به منظور برون رفت از بحران های داخلی، توجه به رهنمودها و ارشادات رهبر انقلاب می تواند کارگشا و مؤثر باشد.

۴ _ ابراهیم فیاض، استاد دانشگاه و جامعه شناس اصولگرا در گفت و گویی در تیرماه ۹۹ چنین نظری را بیان کرد.

۵ _ فنر، استعاره از مردم است.

۶ _ برگه کاغذ، استعاره از حکومت است که بر دستان جامعه و مردم شکل گرفته است.



این قه سردراز دارد...
بررسی محدودیت‌های کرونایی و افزایش تعداد مبتلایان

زهرا عدالتقر
کارشناسی جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

کم کم برایمان عادی شد. از عدد ۳۷ به ۴۸۲ رسیدیم. تنها طی ۶ ماه. شاید عبارت باید با کرونا زندگی کرد را اساسا اشتباه فهمیده‌ایم و در این کشاکش بجای زندگی و سازش با کرونا، به مردن و دچار شدن به آن تن سپرده‌ایم. با افزایش روز افزون مبتلایان و کشته‌شدگان ناشی از اپیدمی بیماری covid-۱۹ در قرن بیست و یکم، دولت‌ها و جوامع وابسته به ظرفیت‌های رفاهی-اقتصادی خود در راستای کنترل گسترش این بیماری ویروسی دست به اعمال محدودیت‌هایی زده‌اند که هر کدام به نوبه خود قابل بررسی هستند.

در ایران نیز با شروع پیک سوم این همه‌گیری، که به گفته کارشناسان و آنچه که از آمارها برمی‌آید به شدت گسترده‌تر از سه پیک قبلی است، ستاد ملی مقابله با کرونا که از ابتدای گسترش ویروس سعی در کنترل آن داشته‌است، دست به کار شده و محدودیت‌های نوینی را وضع کرده است. محدودیت‌هایی اعم از کنترل سفرها ما بین مناطق قرمز، وضع جریمه برای افرادی که پروتکل‌ها را رعایت نمی‌کنند، تعطیلی زودهنگام برخی اصناف وابسته به طبقه‌بندی اعمال شده و ... در ادامه، مختصرا به برخی از این محدودیت‌ها اشاره می‌شود.

داستان از چه قرار است؟

وابسته به افزایش بی‌سابقه آمار کرونا در کشور از جانب نهاد مربوطه، قرار است از شنبه، اول آذرماه محدودیت‌های جدی تر و فراگیرتری نسبت به آنچه تا کنون رخ داده است در کشور اعمال شود. خبری که پیش از این زمزمه‌اش با عبارت تعطیلی دو هفته‌ای شهر تهران در اذهان بازتاب شد.

به شکلی کلی و به گفته سخنگوی ستاد ملی مقابله با کرونا، وابسته به شاخص‌های وزارت بهداشت که بر اساس بار بیماری و میزان بستری بیماران است، سه سطح هشدار تعریف شده است؛ سطح هشدار ۳ شهرهای قرمز، سطح هشدار ۲ شهرهای نارنجی و سطح هشدار یک شهرهای زرد کشور هستند.

به گفته علیرضا ریسی، بر اساس این سه سطح هشدار، متناسب با هر وضعیت محدودیت‌هایی اعمال می‌شود و حدود دو هفته زمان لازم است تا کارآمدی محدودیت‌ها و پروتکل‌ها، وابسته به بررسی بار بیماری در انتهای دوره دو هفته‌ای مورد سنجش قرار بگیرد. در طرح جدید، همه مشاغل به جز مشاغل سطح یک مانند مراکز تهیه مایحتاج ضروری مردم، خدمات‌رسانی ضروری، امداد و نجات، فروشگاه‌های زنجیره‌ای، مراکز درمانی و سلامت از جمله بیمارستان‌ها و مطب‌ها و مراکز تامین زیرساخت آب، برق، گاز و تلفن تعطیل می‌شوند و در ادامه موارد زیر نیز زیر نظر دستگاه‌های اجرایی، اعم از نیروی انتظامی در راه‌ها و سایر دستگاه‌های نظارتی، به اجرا در می‌آید:

۱) در حوزه اداری حداکثر یک سوم کارکنان حق حضور دارند که آن هم با هماهنگی بالاترین مسئول ادارات محدودیت‌ها تعیین می‌شود.

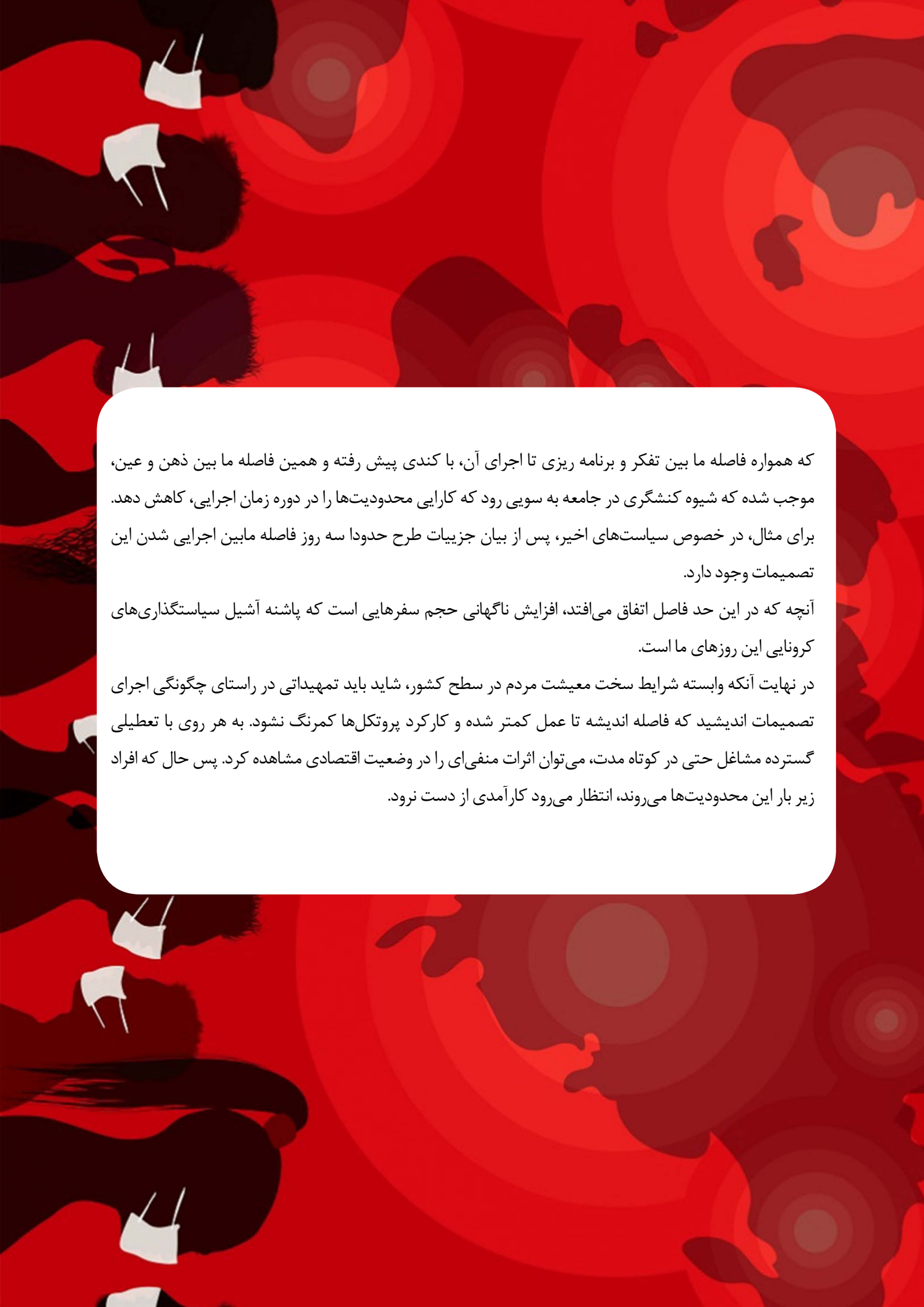
۲) در حوزه تردد‌ها نیز، تردها نیز در سطح هشدار سه و دو است. سطح سه یعنی منطقه قرمز و سطح دو یعنی منطقه نارنجی که در این شهرها پلاک‌های بومی حق ورود به سایر شهرها را ندارند و در صورت ورود به طور قطع با جرایم سنگینی روبرو می‌شود. از آن طرف هم پلاک‌های غیر بومی حق ورود به شهر قرمز را ندارند و به تبع، جریمه‌های سنگین

پانصد هزار تومانی و یک میلیون تومانی برای این تخلف وضع شده است.

۳) همه مدارس در سطح هشدار سه، دو و یک یعنی شهرهای به ترتیب قرمز، نارنجی و زرد به صورت غیرحضور بر گزار خواهد شد و برای دانشگاه‌ها نیز همین محدودیت اعمال می‌شود بنابراین این محدودیت‌ها سطح وسیعی از کشور را در نظر می‌گیرد. ۴) مراکز مذهبی و فرهنگی تعطیل می‌شوند و به مدت دو هفته نماز جماعات و نماز جمعه تعطیل خواهد بود و در مراسم فرهنگی نیز همین محدودیت اعمال می‌شود. رستوران‌ها فقط به صورت بیرون بر اجازه فعالیت خواهند داشت.

۵) محدودیت دیگر در منطقه قرمز هشدار سطح سه، جلسات اداری است که اگر برگزار شود، حداکثر سقف نفرات حاضر در جلسه باید ۱۵ نفر باشد. بدین معنا که جلسه هیات دولت هم اگر برگزار شود، چون بیشتر از ۲۰ تا ۳۰ نفر هستند باید با ۱۵ نفر برگزار شود و بقیه به صورت بیناری حضور داشته باشند. در سطح هشدار دو و یا شهرهای نارنجی هم حداکثر افرادی که می‌توانند در جلسه حضور پیدا کنند، ۲۰ نفر و در هشدار شهرهای زرد نیز حضور در جلسه حداکثر با ۳۰ نفر تعیین شده و بیش از آن ممنوع است. یک سوزن به خودمان!

اینکه این محدودیت‌های جدید می‌تواند مانعی بر سر شیوع هرچه بیشتر این ویروس منحوس باشد یا نه، پرسشی است که پاسخ آن پس از پایان دوره اول مشخص می‌شود. اما با یک نگاه کلی در هشت ماه گذشته، یک مساله در خصوص سیاستگذاری‌های بحرانی این ایام، بسیار پررنگ است. آن هم این است



که همواره فاصله ما بین تفکر و برنامه ریزی تا اجرای آن، با کندی پیش رفته و همین فاصله ما بین ذهن و عین، موجب شده که شیوه کنشگری در جامعه به سویی رود که کارایی محدودیت‌ها را در دوره زمان اجرایی، کاهش دهد. برای مثال، در خصوص سیاست‌های اخیر، پس از بیان جزییات طرح حدوداً سه روز فاصله مابین اجرایی شدن این تصمیمات وجود دارد.

آنچه که در این حد فاصل اتفاق می‌افتد، افزایش ناگهانی حجم سفرهایی است که پاشنه آشیل سیاستگذاری‌های کرونایی این روزهای ما است.

در نهایت آنکه وابسته شرایط سخت معیشت مردم در سطح کشور، شاید باید تمهیداتی در راستای چگونگی اجرای تصمیمات اندیشید که فاصله اندیشه تا عمل کمتر شده و کارکرد پروتکل‌ها کمرنگ نشود. به هر روی با تعطیلی گسترده مشاغل حتی در کوتاه مدت، می‌توان اثرات منفی‌ای را در وضعیت اقتصادی مشاهده کرد. پس حال که افراد زیر بار این محدودیت‌ها می‌روند، انتظار می‌رود کارآمدی از دست نرود.

خوان، مقتم؟
بررسی ادامه اعتراضات کارگری
شرکت هفت تپه

علی میرزاخانی
کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه تهران

در ماه‌های گذشته، بار دیگر ماجرای پرحاشیه شرکت کشت و بهره‌برداری نیشکر هفت تپه خوزستان، مانند موارد مشابه در سال‌های اخیر، کام کارگران این مجموعه را تلخ ساخت.

فعالیت‌های اعتراضی کارگران هفت تپه ماه‌ها به طول انجامید و آنان در پی پرداخت دست کم سه ماه دستمزد تعویقی خود بودند. جمعی از این هم‌میهنان طی تماس با خبرنگار ایننا اظهار داشتند که آنان با وجود مراجعات پیوسته و بیان مطالبات به نهادهای رسمی، هیچ‌یک از مقامات شهرستان و استان، این مطالبات را جدی نمی‌گیرند و تنها وعده‌های مسؤولین عایدشان می‌شد.

گفته می‌شود که در اوائل ماه دوم این اعتراضات، چندین نشست در ساختمان فرمانداری شهرستان شوش در پیگیری این درخواستها برگزار شده بود که طی آنها، مطالبات و زمان پرداخت حقوق معوق کارگران، مشخص نشد و این ملاقات‌ها چندان کارآمد نبودند. یکی از کارگرانی که در این جلسات حاضر بود، این چنین بیان داشته است که: (کارفرما می‌گوید نقدینگی شرکت، به میزان کافی نیست).

اما با این اوصاف باید از کارفرمایان کنونی هفت تپه پرسید که با وجود محدودیت مالی، لزوم سر بردن مجموعه هفت تپه با دشنه خصوصی سازی چه بود؟

ماجرای هفت تپه تنها پرده‌ای از تراژدی خصوصی سازی بی‌امانی بود که دهه هاست، پای بر گلوی اقتصاد کشور



نهاده و سال به سال، نیرومند تر و ویرانگر تر از دوره‌های پیشین خود بر عرصه می‌تازد.

امروزه بر تحلیلگران سیاست داخلی کشور پوشیده نیست که از همان آغاز انتقال این شرکت به بخش خصوصی، همواره پرداخت دستمزد کارگران آن با مشکلات بسیاری همراه بوده است.

دادستان عمومی و انقلاب اسلامی شهرستان شوش، در روز ششم آبان ماه خبر بازداشت تنی چند از کارکنان شرکت نیشکر هفت تپه را تایید نمود و به نقل از خبرگزاری عصرجنوب، ایشان به روابط عمومی دادگستری استان خوزستان این‌گونه اظهار داشته‌اند که در اوائل ماه آبان، تعدادی افراد منفعت‌جو و فرصت‌طلب با برپاساختن تجمعات کارگری و ایجاد اغتشاش و ناآرامی، به دستور قضائی قاضی کشیک، بازداشت شدند! وکیل کارگران هفت تپه (خانم فرزانه زیلابی) طی مصاحبه‌ای با امتداد قرار وثیقه پنجاه میلیون تومانی برای کارگران بازداشتی را تایید کرده بود و این قرار در شعبه صدویکم دادگاه‌های کیفری شهرستان شوش صورت گرفت و همچنین ادعای دادستان شوش مبنی

بر عدم استطاعت در تودیع وثیقه را رد نمود. به ادعای خانم زیلابی، از روز دوشنبه دوازدهم آبان‌ماه، علی‌رغم اعلام آمادگی کتبی و شفاهی به منظور تودیع وثیقه مقرر، تشریفات واگذاری وثیقه از سوی مقامات انجام نشد.

رئیس دادگستری این شهرستان هم آزادی آن کارگران را مرهون کسب نظر شورای تامین دانست. تعداد این بازداشتیان چهار تن بودند که به زندان فجر دزفول منتقل شدند. سپس در پی اخراج افرادی از کارگران، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از معاونین حوزه تخصصی خود درخواست پیگیری و رسیدگی هرچه سریع‌تر به ماجرا را داشت.

کارفرمای مجموعه هفت تپه، شکایتی را تسلیم اداره کار استان نمود و این امر، ورود سازنده و مفید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی را تسهیل نمود و این چنین شد که طبق اظهارات حاتمی، معاون روابط کار این حوزه، پانزده کارگر هفت تپه که در اعتراض مشارکت داشتند از کارخانه اخراج شدند و طبق دستور ویژه وزیر محترم، می‌بایستی ظرف یک روز کشمکش‌های میان



بودند، دوباره مشغول به کار شدند که در میان آنان، تمامی پانزده کارگر اخراجی و چهار کارگر زندانی نیز حضور داشتند. (خبرگزاری تسنیم)

در همان روز نامه فسخ قرارداد هفت تپه به هیات داوری رسید و به گفته معاون پارلمانی وزیر اقتصاد، بیست و یکم آبان، با نظریه احراز تخلفات مالک مجموعه هفت تپه، نامه سازمان خصوصی سازی برای الغای واگذاری شرکت، به دست هیات داوری رسید. برخی از تخلفات مالک نیز عبارتند از: پرداخت تنها ۲ قسط از ۷ قسط، عدم پرداخت به موقع دستمزد، مطالبه ۸۶ میلیاردی خصوصی سازی از مالک و سپس کشت نیشکر به میزان نصف تعهد مقرر.

در این میان، بسیاری از سایتها و کاربران فضای مجازی، روز شمار اعتراضات کارگری هفت تپه را به صورت گسترده ای نشر می دادند که از حیث اجتماعی، همدردی هموطنان را در قبال این جریانات برانگیختند و تا حدود زیادی در برجسته ساختن این امر سهیم بودند.

کارگر و کارفرما در هفت تپه، حل و فصل گردد و گرنه طی ۴۸ ساعت، رسیدگی ویژه و خارج از نوبت به مساله در دستور کار قرار میگیرد.

از آن جایی که اخراج کارگران، خارج از کمیته انضباطی صورت گرفته بود، سبب شد که روند رسیدگی رسمی به قائله، بهتر انجام و مطالبات کارگران با قاطعیت بیشتر پیگیری شود.

آقای علی خضریان، نماینده مجلس شورای اسلامی، استاندار خوزستان را عامل حواشی ناگوار اخیر در هفت تپه دانست چراکه به عقیده وی، این استاندار بود که مطالبه گری کارگران را با محدودیت مواجه ساخت، و گرنه می شد از این رویدادها جلوگیری نمود. وی ضمناً خطاب به وزیر کشور، ضرورت مقابله با چنین کنش های ضد امنیتی را یادآور شد. سرانجام در روز بیست و یکم آبان ماه، خوشبختانه این کارگران مجدداً به کار بازگشتند. بنا بر اعلام مرکز رسانه قوه قضائیه، کارگرانی که سابقاً به دلیل محدودیت های شرکت هفت تپه از کار بیکار شده

میزان و چگونگی صادرات نفت

پریسازار

کارشناسی ارشد توسعه اقتصادی و
برنامه ریزی دانشگاه علامه طباطبائی



صادرات در لغت به معنای انتقال کالا یا خدمات از یک کشور به کشور دیگر است که در این حالت فروشنده کالا یا خدمات به عنوان «صادرکننده» و خریدار کالا یا خدمات نیز با عنوان «واردکننده» شناخته می‌شوند. فرآیند صادرات هر کالا یا خدمتی دو جریان را به دنبال دارد که یکی جریان فیزیکی و دیگری جریان پولی است.

جریان فیزیکی

صادرات نفت توسط کشتیهای نفتکش صورت می‌گیرد و طریقه سوخت‌گیری این نفتکشها همانند سوخت‌گیری خودرو است. به طور کلی برای صادرات نفت دو روش وجود دارد یکی تحویل در مبداء و دیگری تحویل در مقصد است. در هر دو روش، زمانی که کشتی‌های نفتکش به کشور مقصد رسیده و در بنادر مقصد پهلوگیری می‌کنند، شیلنگ‌های بزرگی به لوله‌های نفتکش متصل می‌شود و نفت به مخازن مورد نظر منتقل می‌شود.

در فرآیند صادرات نفت علاوه بر نفتکش، بیمه نیز یکی از الزامات است که در نتیجه آن نفتکشها و یا محموله نفتی بیمه می‌شوند که یکی بیمه خود کشتی و دیگری بیمه محموله نفتی است که بیمه محموله‌های نفتکش، فارغ از اینکه نفت یا فرآورده‌های نفتی باشند، اجباری است.

جریان پولی

مهمترین بخش ماجرا در فرآیند صادرات نفت دریافت پول است که با استفاده از روش‌های مختلفی هزینه نفت خریداری شده به صادرکننده پرداخت می‌شود:

۱. ال.سی^۱

به طور معمول، خریدار نفت یک ال.سی (اعتبارنامه یا اعتبار اسنادی Letter of Credit یا LC)) نزد یک بانک مشترک بین‌المللی که مورد تأیید فروشنده است، باز میکند و مبلغی پول یا اعتبار در نظر می‌گیرد. صادرکننده نفت نیز به استناد آن اعتبار، نفت را صادر میکند و معمولاً توافق میشود که پس از یک ماه پول نفت به آن حساب مشخص واریز شود. پس از تأیید مدارک بارگیری توسط خریدار این مدارک فوق توسط فروشنده به بانک عامل تحویل داده شده و پس از استعلام و تأیید مدارک، پول به حساب خریدار در آن بانک و بعد از آن به بانک مرکزی به صورت دلاری واریز میشود.

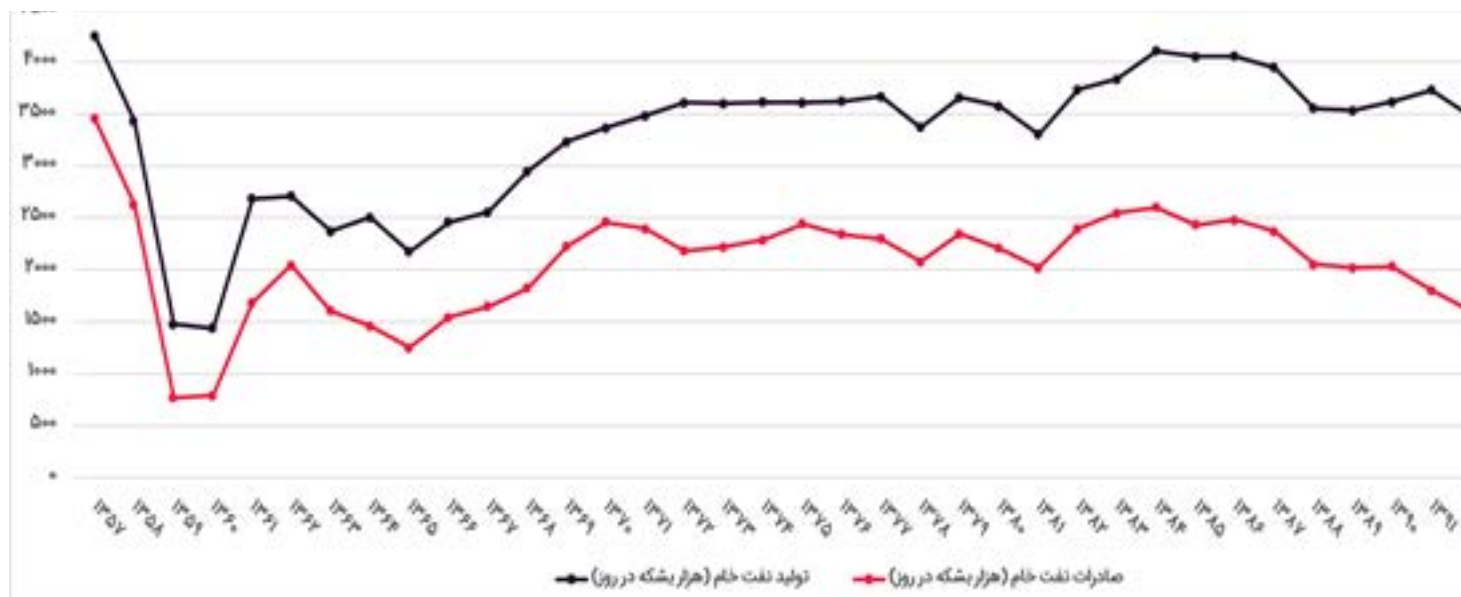
۲. سوئیفت

کلمه سوئیفت (Swift) مخفف عبارت جامعه جهانی ارتباط‌های مالی بین بانکی (Society For Worldwide Interbank Financial Telecommunication) است. سوئیفت در واقع روشی نوین برای تبادل پیام‌های بین بانکی است، به صورتی که اتوماسیون سیستم بانکی بین‌المللی را به همراه داشته تا بانک‌ها به کمک آن، بتوانند پول را از کشوری به کشور دیگر منتقل کنند. در شبکه سوئیفت به کمک کدهای سوئیفت نیز دستورهای پرداختی را به حساب‌های مؤسسه‌های مالی ارسال می‌کنند تا دیگر نیاز به انتقال خود وجوه نباشد و در واقع این کدها یک علامت انحصاری برای شناسایی بانک‌ها هستند.

سوئیفت یک نقطه دسترسی یا SAP را در اختیار هر کشور قرار می‌دهد تا به وسیله آن بتوانند به سیستم جهانی سوئیفت متصل شوند. نقطه دسترسی کشور ایران به سوئیفت هم در بانک مرکزی واقع شده است که بانک‌های ایرانی از طریق این خطوط به مرکز SAP در بانک مرکزی متصل شده و پیام‌ها از آنجا برای بانک‌های خارج از کشور فرستاده می‌شود.

۱ - تعهدی از طرف بانک است که به خریدار و فروشنده داده می‌شود و تعهد می‌شود که میزان پرداختی خریدار به فروشنده به موقع و با مبلغ صحیح به دست فروشنده خواهد رسید.

میزان تولید و صادرات نفت ایران
 براساس اطلاعات موجود در بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی بانک مرکزی آمار تولید و صادرات نفت
 ایران پس از انقلاب اسلامی در نمودار زیر نمایش داده شده است.



صادرات نفت ایران

یکی از منابع درآمدی عمده بودجه عمومی دولت در ایران ناشی از فروش نفت خام و فرآورده‌های نفتی است که مدیریت امور بین‌الملل شرکت ملی نفت وظیفه صادرات نفت خام و بانک مرکزی از طرف دولت و خزانه‌داری کشور مسئولیت وصول و دریافت پول حاصل از فروش آنها را برعهده دارد. اما ایران چگونه پول نفت را وصول می‌کند؟

۱. واریز به حساب شرکت ملی نفت ایران یا حساب بانک مرکزی در کشورهای مختلف پول حاصل از فروش نفت یا به حساب شرکت ملی نفت ایران در کشورهای مختلف واریز می‌شود یا به حساب بانک مرکزی.

بانک مرکزی در برخی کشورهای جهان دارای حساب است که پول نفت به آن واریز می‌شود و در صورتی که بانک مرکزی در کشوری که به آن نفت فروخته است حساب نداشته باشد، برای دریافت پول مقدماتی را فراهم می‌کند تا پول نفت به کشورهایی که دارای حساب است واریز شود. بانک مرکزی به محض واریز پول نفت، آن را به ریال تبدیل می‌کند و پس از اختصاص سهم شرکت ملی نفت ایران بقیه را به حساب خزانه کشور واریز می‌کند. چنانچه پول نفت به حساب شرکت ملی نفت ایران واریز شود، این پول در داخل کشور به حساب بانک مرکزی ریخته شده و معادل آن ریال به شرکت نفت و خزانه داده می‌شود.

۲. سوئیفت

قرار بود در سال ۱۳۶۴ بانک‌های ایرانی در سوئیفت عضو شوند که با توجه به جنگ تحمیلی و مشکلات آن زمان این کار محقق نشد و چندین سال بعد از آن یعنی در سال ۱۳۷۱ پس از کشمکش‌های فراوان بالاخره بانک مرکزی به

همراه پنج بانک تجاری صادرات، ملی، تجارت، ملت و سپه به عضویت سیستم جهانی سوئیفت درآمدند و به صورت رسمی به این سیستم متصل شدند.

اما این عضویت به چند سال بیشتر نکشید که با بالا گرفتن اختلاف‌نظرها و تحریم‌های سیاسی اروپا و آمریکا علیه ایران در زمینه مسائل هسته‌ای کشور در اسفند سال ۱۳۹۰ ارتباط رسمی بانک مرکزی با سیستم سوئیفت قطع شد و همین امر باعث شد تا بانک‌های ایرانی برای مراودات و مبادلات تجاری خود از روش‌های غیررسمی به انتقال پول بپردازند که این کار علاوه بر تحمیل هزینه‌های زیاد و به وجود آوردن مشکلات مختلف، از سرعت نقل و انتقالات ارزی نیز کاسته بود.

مشکلات ناشی از تحریم‌ها برای صادرات نفت ایران انواع تحریم

اگر در یک تقسیم‌بندی تحریم‌های علیه جمهوری اسلامی ایران را براساس میزان شدت و تأثیرگذاری آن دسته‌بندی کنیم سه نوع تحریم را می‌تواند برشمرد: تحریم‌های نفتی، تحریم‌های فیزیکی و تحریم‌های مالی.

تحریم‌های نفتی

منظور از تحریم‌های نفتی در واقع موانعی است که در برابر خرید و فروش محصولات نفتی بر سر راه اقتصاد ایران قرار داده شده است که به علت وابستگی اقتصاد ایران به نفت اثرگذاری بالایی دارد و می‌تواند وضعیت اقتصادی کشور را دچار مشکل کند اما به دلیل انحصاری نبودن این حوزه اقتصادی و عدم توانایی ایالات متحده در ایجاد یک تحریم فراگیر در این عرصه ضربه شدیدی از این تحریم‌ها به جمهوری اسلامی وارد نشده است

که فروش میلیونی نفت در دوران تحریم خود شاهد این مدعاست. البته نمی‌توان کاهش میزان تولید نفت ایران در اثر این تحریم‌ها را نادیده گرفت اما به هیچ وجه نتوانسته است این فرآیند را متوقف کند چرا که حذف کلی نفت ایران از بازار جهانی شوک بزرگی را وارد خواهد کرد که قابلیت جایگزینی نیز ندارد.

تحریم‌های فیزیکی

تحریم‌های فیزیکی که مربوط به تجارت و مبادله اجناس غیر نفتی مختلف مانند غذایی، دارویی، صنعتی و حتی تسلیحاتی است موجب وارد آمدن خسارات سنگینی به اقتصاد ایران شد و ممنوعیت فروش داروهایی که مورد نیاز بسیاری از بیماران ایرانی است نقض آشکار حقوق بشر تلقی شده و خشم بسیاری از فعالان این حوزه را در عرصه جهانی به دنبال داشته است.

تحریم‌های مالی

تحریم‌های مالی در واقع تحریم‌های بانک مرکزی کشور و جلوگیری از مبادلات ارزی و پولی است که تصویب این نوع تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی فشار بی‌سابقه‌ای را بر ایران وارد آورد. درست از زمان شروع تحریم‌ها بر علیه کشور ایران، سوئیفت نیز ایرانیان را تحریم کرده و تمامی قراردادهای دوطرفه‌ای که بین بانک‌های داخلی و خارجی انجام شده بود تا پروسه‌های کارگزاری بانک از طریق آنها انجام شود یا معلق شدند و یا به طور کامل لغو گردیدند.

خصوصاً به دلیل تسلط انحصاری دولت آمریکا بر مبادلات ارزی و پولی در تمام نقاط جهان و همچنین تهدید همه کشورها به اینکه در صورت برقراری ارتباط مالی با ایران تحت تحریم و مجازات قرار خواهند گرفت هرگونه مبادله مالی برای ایران غیر ممکن شد. به

نحوی که دولت مجبور شد در ازای فروش نفت دست به مبادله کالا به کالا بزند و در مقابل نفت فروخته شده از کشور خریدار کالا وارد کند. نتیجه این اتفاق کاهش قابل توجه ارز در کشور بود که موجب بالا رفتن قیمت دلار شد و واردات را نیز به شدت تحت تأثیر قرار داد.

در یک دسته‌بندی دیگر، تحریم‌ها را می‌توان به دو نوع تقسیم کرد:

الف) تحریم‌های وضع شده از جانب شورای امنیت سازمان ملل که همه اعضای سازمان وظیفه دارند آنها را رعایت کنند.

ب) تحریم‌های یک جانبه که توسط قدرت‌های جهانی وضع می‌شوند و بسته به میزان نفوذ کشور تحریم‌کننده در سایر کشورها، می‌توانند مؤثر واقع شوند.

به طور کلی فارغ از نوع تحریم‌هایی که علیه ایران اعمال شد، حدوداً ۴۰ میلیارد دلار منابع ارزی ایران در کشورهای دیگر مسدود شده است و چین با ۲۰ میلیارد دلار، هند با ۷ میلیارد دلار، کره جنوبی با ۶ میلیارد دلار، عراق با ۲ میلیارد دلار و ژاپن با ۱٫۵ میلیارد دلار، بدهکارترین کشورها به ایران به حساب می‌آیند.

راه‌های ایران برای دور زدن تحریم‌ها

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که براساس آمارهای موجود در سایت بانک مرکزی که بیانگر صادرات قابل توجه نفت در دوران تحریم‌ها است، ایران با استفاده از چه ترفندهایی نفت خود را به کشورهای مختلف صادر کرده و چگونه پول خود را دریافت کرده است؟

۱- قدیمی‌ترین ترفند دادن رشوه یا حق السکوت به مقامات ارشد کشورها است که به موجب آن وقتی با

ایران تجارتی صورت می‌گیرد، آنها سرشان را به سمت دیگری برمی‌گردانند. نظام اداری و دیوانسالاری فاسد، ممکن است تمایل داشته باشند به عنوان پوششی برای این فعالیت‌های غیرقانونی عمل کنند.

۲- ایجاد یک شرکت تولیدکننده کالاهای بی‌ضرر برای پوشش فعالیت‌های غیرقانونی که از این شرکت‌های تولیدی به عنوان بانک پولشویی استفاده شده و رسیدهایی که قیمت کالاها در آن، بالاتر از میزان پرداختی است، دریافت می‌شود.

۳- خرید کالاهای ممنوعه از غرب تحت نام شرکت‌های دیگر کشورها و انتقال آن کالاها، از طریق کشورهای که ارتباطات محکم و داد و ستد اقتصادی کلان با ایران دارند. مثلاً ایجاد یک شرکت جعلی برای پوشش اقدام غیرقانونی در هلند و شرکتی دیگر در ترکیه و پیدا کردن یک ایرانی‌الاصل دارای گذرنامه هلند و تبدیل کردن وی به مالک شرکت مذکور. تهیه و خرید فناوری‌های حساس از اروپا و پرداخت پول آن از طریق یک حساب بانکی در هلند و فروش آن کالا در مرحله دوم به شرکت ترکیه که پول آن کالا نیز از طریق حسابی در بانکی ترکیه‌ای پرداخت می‌شود. انتقال آن فناوری، از طریق بندر ترکیه‌ای بوروسان که در ساحل جنوبی دریای مرمره واقع بوده و دسترسی دریایی به آن راحت است. از آن بندر نیز کافی است از خط انتقال راه آهن ترکیه استفاده کرده یا از کامیون‌ها و از طریق ارتباطات بزرگراهی در ترکیه، کالای مذکور را به تهران منتقل نمود.

۴- شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی و شرکت ملی نفتکش ایران، به منظور پنهان کردن منبع ایرانی ناوگان کشتیرانی خود، به جای پرچم خود از پرچم

کشورهایی مانند تووالو و تانزانیا استفاده می‌کنند و با مالکان شرکت کشتیرانی که مقر آن در کشورهای بی‌نام و نشانی مانند جمهوری سیشلز یا مجمع الجزایر ویرجین هستند. ایجاد صندوق پستی در جزیره‌ای در میانه اقیانوس آرام و تغییر نام و نشانی کشتی با نام‌هایی غیرفارسی که جلب توجه نمی‌کنند مانند Freedom (آزادی)، Truth (حقیقت)، Honesty (صداقت)، Justice (عدالت) و Leadership (رهبری). البته تغییر نام کشتی نمی‌تواند کسی را گول بزند؛ چرا که هر کشتی به غیر از نام، دارای شماره شناسایی قابل رویت از سازمان بین‌المللی دریانوردی است. با وجود این شماره‌ها، هنوز می‌توان آدم‌های حریصی را پیدا کرد که خود را به ندیدن می‌زنند.

۵- ایجاد یک شرکت بیمه غیرایرانی و استفاده از این شرکت برای انجام معاملات پشت پرده مستقیم با تجار، در کشورهایی که شما در حال تجارت یا داد و ستد مالی با آنها هستید. تمرکز خاص، بیشتر بر بیمه‌گرهای آسیایی است که به دنبال انعقاد قراردادهای دریانوردی برای انتقال نفت ایران که به صورت پنهانی فروخته شده است، هستند. زیرا بسیاری از این شرکت‌ها، خوشحال می‌شوند به سندیکای ایجاد شده توسط شما بپیوندند.

۶- کشف فرودگاه‌های متعدد خصوصی در اروپا که در آنها، کنترل صادرات و گمرک بسیار راحت است مثل کشور آلمان که شبکه‌ای از فرودگاه‌های خصوصی در اختیار دارد که از طریق آن شما می‌توانید به کشوری ثالث و بعد به ایران پرواز کنید. روس‌ها یا اتباع کشورهای اروپای شرقی تمایل دارند به عنوان پوشش تجارت با ایران عمل کنند.

۷- در سازمان‌ها و برنامه‌های سازمان ملل، تا آنجا که

می‌شود با پول برای خود نفوذ و اعتبار کسب کنید. از این نهادهای سازمان ملل مانند سازمان بین‌المللی حقوق نخبگان، برای تأمین تجهیزات با کاربرد دوگانه و فناوری تحت عنوان کمک به توسعه، استفاده کنید. استفاده از کانتینرهای سازمان ملل که کمتر مورد بازجویی قرار می‌گیرد، برای مصونیت در برابر بازرسی‌های اداره گمرکات بهتر است.

۸- استفاده از شرکت‌های حمل‌ونقل مانند شرکت ملی نفتکش ایران و شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی برای جابه‌جایی اقلام و کالاهای غیرقانونی. تحریم‌های اعمال شده علیه ایران، برعکس تحریم‌هایی که علیه کره شمالی اعمال شده، تنها زمانی اجازه تفتیش از کشتی‌ها را در آب‌های سرزمینی یک کشور می‌دهد که آن کشور دلایل کافی برای اثبات این امر که آن شناور در حال حمل و جابه‌جایی کالاهای قاچاق است، داشته باشد.

۹- ایجاد شرکت‌های خیریه و به خصوص شرکت‌های خیریه مذهبی، برای ارائه کمک به کودکان مریض و سپس استفاده از این بنگاه‌های خیریه برای کمک به جابه‌جایی پول و خرید کالا و ایجاد نفوذ و جایگاه.

۱۰- راه‌اندازی عملیات مالی فراسرزمینی خارجی با بانک‌های خارجی که هیچ دادوستدی با آمریکا یا اروپا ندارند و به تحریم‌های غرب علیه ایران اهمیت نمی‌دهند، مانند بانک کونلون و بانک اسلامی عراق. استفاده از سامانه سوئیفت برای انتقال پول از این بانک‌ها، به بیش از دوازده نهاد ایرانی که اتحادیه اروپا هنوز آنها را هدف تحریم قرار نداده یا ارتباط آنها قطع نشده است.

۱۱- اگر نیاز دارید که با بانک‌های معتبرتر معامله

کنید، به دنبال کسانی بگردید که بخاطر اقدامات تجاری خاص و تهاجمی که در بازارهای نوظهور دنیا انجام داده‌اند، اعتباری برای خود دست و پا کرده‌اند. اگر حذف اطلاعات شناسایی الکترونیک سخت شود، تلاش شود که اعتبارنامه از طریق بانکی صورت گیرد که تمایل به صدور آن داشته باشد. به روش زیر می‌توانید این کار را انجام دهید. پرداخت به گونه‌ای باشد که به نظر برسد به دست شریک رسمی‌تان می‌رسد و دوستان در این بانک‌ها، بدون هیچ زحمتی این پرداخت را به نیابت از ایران به جایی دیگر منتقل می‌کنند. مثلاً در مالزی خرید کنید و پولش را به فردی در آفریقا بدهید.

۱۲- نفت ایران را در تأسیسات ذخیره کشور ثالث قرار داده و فروش همه آن نفت را تحت نام و پوشش شرکتی خارجی انجام دهید. از این طریق می‌توان نفت ایران را به جایی در کشوری دیگر منتقل کرده و با تغییر پرچم یا بسته‌بندی آن، دوباره آن را صادر کرد. پالایشگاه‌های نیازمند به پول مانند یونان و اندونزی، خوشحال خواهند شد نفت شما را بپذیرند و مقامات گمرکات نمی‌توانند به اختلاف آن دو پی ببرند. در مرحله بعد، روند تجارت آن نفت ذخیره و فروش آن به عهده یک مؤسسه ایرانی که هنوز نامش در زمره لیست سیاه اروپا و آمریکا قرار نگرفته سپرده می‌شود (ضمن این که مبلغی به مقامات این کشورها و تخفیفی به این پالایشگاه‌ها داده می‌شود) اگر خیلی عجله دارید، این نفت پالایش شده از نفت خام ایران را به آمریکا بفروشید. هنوز در قوانین آمریکا، آنقدر نقص وجود دارد که اجازه چنین کاری را بدهد.

۱۳- معامله نفت به صورت پایاپای. نفت را به چین، هند، کره جنوبی و دیگر کشورها صادر کرده و به ارز محلی پول دریافت کنید و بعد از آن کالاها و خدمات

مورد نیاز خود را از آن کشورها خریداری کنید. بانک‌ها و مقاماتی که تمایل به همکاری دارند را ترغیب کنید که برخی از این پول‌ها را منتقل کرده و به بنگاه‌های ارزهای خارجی در خلیج فارس برده و بعد از آن، این پول‌ها را در ازای هزینه‌ای به پول نقد تبدیل کنید. در هر حال، ترک‌ها با خوشحالی پول نفت ایران را به طلا پرداخت می‌کنند.

۱۴- نفت خود را با شرکت‌های انرژی دولتی معاوضه کنید، ترجیحاً با شرکت‌هایی که کرمین مالکیت آنها را در اختیار دارد. به این شرکت‌ها در ازای نفت شما به مشتریان‌تان، کمیسیون سنگین پرداخت کنید. نفت آنها را از نو از طریق دریای خزر یا نفتکش‌هایی که از شمال به جنوب می‌رانند به ارمنستان منتقل کنید.

۱۵- از آسیا، غرب و کشورهای آفریقایی، سفارش کالاها و فناوری‌های ارتباط راه‌دور طلب کنید و مطمئن شوید که این کالاها امکان رهگیری، نظارت و سانسور را برای امور انتظامی در اختیار شما قرار می‌دهد اما به کسی نگویید که از این کالاها، علیه ناراضیان استفاده می‌کنید. بدون اطلاع شرکت‌های معروف آمریکایی، در زمینه فناوری بر امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری خود از این شرکت‌ها بیفزایید. ارائه امکان دسترسی به مجوزهای پرسود تجارت با ایران به دیگری، در راستای شکستن تحریم‌ها و تقویت نفوذ ایران. پرداختن پول به مقامات ارشد دولتی یا دیگر افرادی که نفوذ واقعی در حکومت‌های دیگر دارند تا به نفع شما سخنرانی کنند، برای این سخنرانی‌ها به آنها پول خوبی بدهید.

۱۶- و اگر همه این راهکارها به شکست انجامید، به سراغ بانک خصوصی خود در یکی از نهادهای مالی مشهور بین‌المللی بروید. آنها ظاهراً، هر آن چه را که

بخواهید در اختیار دارند.

پول نفت پس از برجام: بازگشت دلارهای نفتی به کشور دولت یازدهم تمام راه‌های انتقال پول در دوران تحریم‌ها در دولت گذشته را به امید آنکه با توافق هسته‌ای مشکلات بانکی برطرف شده و مشکلات شدید انتقال پول برطرف می‌شود، بست.

به این ترتیب، پول نفتی که به اروپا صادر می‌شد به یورو در بانک‌های اروپایی واریز می‌شد، البته این بانک‌ها، بانک‌های کوچک و درجه دو یا سه اروپا بودند. نفت‌هایی که به هند فروخته می‌شد نیز، با توافقاتی که بانک مرکزی انجام داده بود به یورو در بانک‌های اروپایی دریافت شد. اما پول نفت‌هایی که به شرق دور یعنی چین، کره و ژاپن صادر می‌شد، به ارزهای محلی اخذ می‌شد، البته با توجه به مبادلاتی که بانک مرکزی با این کشورها دارد و خریدهایی که از آنجا داریم، ظاهراً پول‌های دریافتی آنجا مصرف می‌گردید. اما به دلیل اینکه بانک‌های بزرگ و درجه اول هنوز وارد مبادلات مالی با کشور نشده بودند، کارها کمی کند انجام می‌شد. شایان ذکر است که بانک‌های اروپایی همچنان نگران هستند و ترجیح می‌دهند مرادوات مالی خود با ایران را در سطح نزدیک به صفر نگه دارند.

این مشکل حالا در نقد شدن پول نفت خودنمایی می‌کند و همچنان بخش اعظم پول‌های نفتی که باید در خزانه باشند در دست خریداران نفت است. در دولت گذشته برای انتقال پول محموله‌ها از روش‌های غیررسمی استفاده می‌شد که معمولاً هزینه انتقال آن بین ۲ تا ۵ درصد متغیر بود، به عنوان مثال برای جابه‌جایی ۴۰۰ میلیون دلار از پول نفت ایران بین ۸ تا ۱۶ میلیون دلار هزینه صرف و در عرض مدت

کوتاهی پول نفت به داخل ارسال می‌شد اما هم اکنون در خوشبینانه‌ترین حالت پول نفت بین شش تا ۹ ماه قابل دسترس نیست و دولت نیز علاقه‌ای به گرفتن حق کشور در کمترین زمان ندارد.

قبل از ماجرای خروج آمریکا از برجام و بازگشت تمامی تحریم‌ها، ما همزمان که در حال دور زدن تحریم‌های آمریکا بودیم؛ آقای سیف که رئیس وقت بانک مرکزی بود، دستورالعمل FATF را به بانک‌ها ابلاغ کرد؛ اجرای همان بخشنامه منجر به این شد که تعدادی از صرافی‌هایی که در دبی با ایران کار می‌کردند، از سوی آمریکا شناسایی شده و پس از مدتی به طور کامل تعطیل شوند؛ به طوری که این صرافی‌ها دیگر به چرخه مبادله با ایران بازنگشتند و ما مجبور شدیم که برای مبادلات ارزی به سراغ صرافی‌های دیگری برویم.

وقتی اولین تحریم‌های آمریکا بعد از خروج از برجام اعمال شد مسئولان وزارت نفت که یک تیم ۱۵ نفره را گذاشته بودند برای فروش و در دوران برجام هم توفیقاتی داشتند دیگر نتوانستند کاری از پیش برند.

دو نکته مهم در رابطه با صادرات نفت ایران در دوران تحریم وجود دارد که عبارت است از:

- تحریم متوجه خریدار نفت است نه متوجه فروشنده آن؛ ما در فروش نفت خام تحریم نیستیم، بلکه خرید نفت ایران، برای خریداران تحریم شده است.

- همانطور که اشاره شد، برای صادرات نفت دو روش وجود دارد یکی تحویل در مبداء و دیگری تحویل در مقصد. در دوران تحریم به سبب مشکلات ناشی از تحریم، از روش تحویل در مقصد استفاده کرده و اعلام می‌کردند، نفت باید در بنادر کشور مقصد تحویل داده شود و کلیه هزینه‌ها از جمله حمل و نقل، بیمه و

هزینه‌های جانبی متوجه صادرکننده است.

اما تفاوت تحریم‌های سال ۹۱ با تحریم‌های ۹۷ در چیست؟

اول: دولت آمریکا در سال ۹۷ کاملاً از تجربیات گذشته استفاده کرده و فرآیند تحریم را پیچیده‌تر و گلوگاه‌ها را تنگ‌تر کرده است. در مقابل، دولت ما کاملاً تجربیات آن سال‌ها را دور ریخته و به آن بی‌اعتنایی کرده و در برخی مواقع، راهکارهای مدیریت تحریم قبلی را به سخره گرفته است.

دوم: دولت آمریکا با خروج از برجام احساس کرد تنها کشوری است که از برجام خارج شده و تنهایی، مسیر تقابل با ایران را پیگیری کرده؛ پس مجدانه پشت کار ایستاده است؛ در حالی که دولت ایران، به دلیل اینکه فکر می‌کرد که اروپایی‌ها به یاری آمده و موضوع تحریم‌ها جدی نمی‌شوند، این باور را تقویت کرد که تحریم‌ها به نتیجه نمی‌رسد و زمان زیادی برای اثرگذاری آنها لازم است.

سوم: دولت تلاش می‌کند مثل گذشته که دست نیافتن به اهداف را به دولت‌های قبل نسبت می‌داد، به دنبال مستمسکی باشد که این ناکارآمدی در مقابل تحریم را به آن نسبت دهد. بنابراین چون دولت چنین احساسی را نسبت به مسئولیت‌های خود ندارد، ناکارآمدی‌ها را به بیرون دولت نسبت می‌دهد یا به دنبال مقصر در بیرون وزارتخانه‌ها می‌گردد. پس هنوز هم دولت برای اینکه مسئولیت این امر مهم و خطیر را بپذیرد، تصمیم جدی نگرفته است.

چرا نفت ایران؟ کدام کشورها پای نفت ایران ایستاده‌اند؟ چرا نفت ایران برای برخی کشورها جذاب است؟ چرا برخی کشورها دوست دارند در حوزه نفت

ایران سرمایه‌گذاری کنند یا تمایل به دریافت نفت خام ایران دارند؟

طبق نظر بلومبرگ، اولین سناریویی که برای جذاب بودن نفت ایران می‌توان مطرح کرد نوع نفت ایران است. یعنی نوع نفت اعم از سبک یا سنگین بودن و قیمت آن، جذابیت بیشتری برای اروپایی‌ها دارد.

دومین سناریو، نوع طرح‌های ایران است که به نظر می‌رسد برای شرکا، جذابیت دارد. این مساله را مهدی حسینی رئیس کمیته قراردادهای نفتی ایران نیز تأیید و عنوان کرده، شرایط تهران برای اجرای طرح‌های نفتی استثنایی است. وی معتقد است که ایران طرح‌های زیادی دارد که کم‌هزینه و سودآور است و این مساله کلید حل بسیاری از مشکلات جاری در بازار نفت است که شامل کاهش قیمت نفت، قیمت بالای اجرای پروژه‌ها، کمبود نقدینگی شرکت‌های بین‌المللی نفتی (IOC) و کاهش سرمایه‌گذاری بانک‌ها و مؤسسات مالی در پروژه‌های نفت و گاز شیل آمریکا است.

سناریو سوم قیمت تمام شده تولید نفت است که اگر قیمت نفت به همین روال فعلی ادامه داشته باشد، این هزینه برای ایران پایین خواهد بود و شاید بتوان گفت که برای کشورهای دیگر دریافت آماده نفت به صرفه‌تر از تولید خواهد بود و به همین علت ایران می‌تواند به مدد این مزیت، شرکای بیشتری را نیز جذب کند.

در این خصوص، اشاره به تجربه و مسیری که کره جنوبی طی کرده است خالی از لطف نیست. کره جنوبی ۲۳ نوع نفت به مبلغ ۹ میلیارد دلار از ۱۵ کشور جهان را برای پالایشگاه‌های خود آزمایش کرد، اما معتقد است که هیچ کدام نفت ایران نمی‌شوند، چون نفت ایران گوگرد بسیار کمی دارد و هیچ پس مانده‌ای را بعد از پالایش



در روز است که در یک سال و نیم گذشته بی‌سابقه بوده است.

گزارش رویترز براساس حرکت نفتکش‌ها منتشر شده است به طوری که در این گزارش براساس حدسیات خود اعلام می‌کند تعدادی نفتکش به حجم مشخص جابه‌جا شده است. بنابراین اعلام می‌کند که صادرات نفت ایران افزایش یافته یا کاهش پیدا کرده است و قطعاً رویترز نسبت به این موضوع آگاهی ندارد که این نفتکش‌ها حامل نفت بوده‌اند یا نه یا چه حجمی از آنها نفت دارد بنابراین این گزارشات معمولاً صحیح نیست.

اگر واقعاً این اعداد و ارقام که از سوی رویترز در صادرات نفت خام ایران صحیح باشد باید تأثیرش را روی نرخ دلار بگذارد که واقعاً اگر صحیح باشد از نظر روانی نیز قیمت دلار باید کاهش یابد نه اینکه امروز شاهد نرخ‌های عجیب دلار باشیم.

ظاهراً خبر جابه‌جایی نفتکش‌ها صحیح است اما نکته در اینجا است که محتویات این نفتکش‌ها نفت خام نبوده بلکه فرآورده‌های نفتی است که اخیراً روند صادراتش بهبود پیدا کرده و افزایش داشته است.

ایجاد نمی‌کند. از این رو، کره‌ای‌ها از تحریم نفت ایران رضایت ندارند.

به گفته کارشناسان تنها نفت نزدیک به ایران، برای پالایشگاه‌های کره‌ای نفت قطر است که برای کره جنوبی گران‌تر از ایران تمام می‌شود. گفتنی است کره بیشتر از نیاز خود در ماه‌های اخیر از ایران نفت وارد کرده تا در برابر لغو معافیت از خرید، بتواند چند ماه بیشتر با نفت با کیفیت ایران سر کند.

سناریو چهارم به این نکته اشاره دارد که هرچند در بحث تجارت اجباری نیست و همه به دنبال منافع خود هستند، اما ایران شرکایی دارد که در قبال خرید از کشور ما، ایران نیز از آن‌ها خرید کرده است. عمده شرکای ایران از جمله ژاپن، کره، چین، هند و ترکیه با ایران مراودات گسترده تجاری دارند و در صورتی که نفت ایران را نخرند ما نیز از آن‌ها کالایی نخواهیم خرید. کشورهای فوق برای حفظ بازار خود مایلند ارتباط تجاری با ایران را حفظ کنند و به خرید نفت ایران ادامه دهند تا ما نیز کالاهای آن‌ها را خریداری کنیم.

براساس سناریو پنجم نفت ایران جایگزین ندارد و اوپک ظرفیت مازاد برای جایگزینی افت تولید نفت ایران را ندارد زیرا تولیدکنندگان نفت ظرفیت لازم برای جبران افت تولید این کشور را در اختیار ندارند. اگر تولیدکنندگان نفت نتوانند این کار را انجام دهند، هزینه‌ها جهش می‌یابند.

و اما پاسخ به ادعای رویترز

رویترز طی گزارشی مدعی شده است که صادرات نفت و میعانات گازی ایران رقمی نزدیک به ۱,۵ میلیون بشکه

◆ جای خالی اندیشه

برای استادی که همه دوستش داشتند.

◆ محمد نوروزی

فارغ التحصیل علوم سیاسی دانشگاه تهران



همه آنانی که دکتر داود فیرحی، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران را می شناختند، می دانند که فیرحی شناسنامه حوزه اندیشه سیاسی اسلام، نه فقط در حلقه اساتید علوم سیاسی دانشگاه تهران، بلکه در دایره تمامی اساتید علوم سیاسی ایران است. استادی که با کوله باری از تالیف و نویسندگی در حوزه علم سیاست، همچنان در نهایت تواضع و خاکساری، ملجاء و پناه همه دانشجویان علوم سیاسی بود.

فیرحی در عصر کسب شهرت از طریق فریادهای بی پشتوانه در فضای مجازی، بدون سروصدا مباحث علمی اش را با دانشجویانش در میان می گذاشت و جان های تشنه مفاهیم علمی را سیراب می کرد و شهرت و قیل و قال را به اهلش وا گذاشته بود.

فیرحی که خود تجسم وحدت حوزه و دانشگاه بود، در دوره ای که صرف بودجه های کلان برای انجام فعالیت های نمایشی در حوزه وحدت حوزه و دانشگاه، یکی از ژست های همیشگی مدیران پژوهشکده های دست چندی بود، نشان



نمود که وحدت واقعی تنها زمانی حاصل می‌شود که بجای تقلیل سطح بحث به «پسوند «اسلامی» دروس»، ابتدا باید حوزه و دانشگاه را به صورت جداگانه درک نمود و سپس اشتراکات فراوانشان را برای تولید علمی که جامعیت حوزه و دانشگاه را بصورت یکجا در بر داشته باشد، به خدمت گرفت.

در عصر جولان بنیادگرایی افراطی در میان ملت‌های مسلمان، فیرحی عمرش را صرف پرورش نهالی که با انقلاب اسلامی کاشته شد، کرد. ایجاد پیوند علمی بین مفاهیم متجدد غربی و مفاهیم اسلامی، هنری بود که فیرحی موفق شد جلوه‌های زیبای آن را در تالیفات پرمغزش به رشته تحریر درآورد و مرزهای اندیشه سیاسی در اسلام را فرسنگ‌ها جابجا کند.

در عصر تکرار طوطی‌وار مفاهیم مطلقاً غیربومی در کتبِ عمدتاً غربی، و همچنین در عصر ذبح اسلام و مفاهیم دینی در پای سکولاریسم افسارگسیخته، فیرحی، گفتگوی اسلام را کسر شان دانشگاه نمی‌دانست و از قضا تمام توان خویش را صرف نشر مفاهیم متعالی اندیشه سیاسی در اسلام کرد. سرسخت‌ترین مخالفان فیرحی، حتی آن‌ها بنیان نظری وی را التقاطی تفسیر می‌کنند هم نمی‌توانند وزانت علمی و شرافت دینی فیرحی را مورد تردید قرار دهند.

امروز نه فقط خانواده دکتر فیرحی، بلکه همه دانش‌آموزان و دانش‌آموختگان علم سیاست در جغرافیای اسلام، عزادار است. چرا که با چشم فروبستن این استاد بلندآوازه از دنیا، خانواده علوم سیاسی، یکی از اصلی‌ترین وزنه‌های اندیشه سیاسی را از دست داد و چه بسا تا سال‌ها هیچ کسی نظیر دکتر فیرحی نتواند اندیشه سیاسی در اسلامی را اینگونه متبهرانه و موفق حلاجی کرده و متعاقباً تولید دانش نو نماید.

از شمار دو چشم، یک تن کم

وز شمار خرد هزاران بیش



فرزنگ نامه



◆ جان پدر کجاستی؟

◆ فرشته اکبری

◆ کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه تهران

دانشگاه نهادی است که متولی پرورش سرمایه‌های اجتماعی کشور است. سرمایه‌هایی که می‌توانند آینده کشور را رقم بزنند و باعث پیشرفت یک جامعه شوند. از این رو دانشگاه نهادی مهم در جامعه و دولت موظف به ایجاد محیطی مناسب برای تحصیل دانشجویان است. امنیت یکی از مهم‌ترین وظایف دولت است که باید در کشور و به خصوص محل تحصیل دانش‌آموختگان ایجاد شود.

متأسفانه اخیراً دو مرکز آموزشی کوثر و پوهنتون/ دانشگاه کابل در افغانستان مورد هجوم تروریست‌ها قرار گرفت و بسیاری از دانش‌آموختگان شهید و یا مجروح شدند.

دانشگاه کابل روز دوشنبه ۱۲ آبان مصادف با مراسم گشایش سومین نمایشگاه کتاب ایران و افغانستان که قرار بود در دانشگاه برگزار شود، با حمله مسلحانه تروریست‌ها مواجه شد و ۲۲ شهید و بیش از ۴۰ تن مجروح برجای گذاشت. در پی این حادثه غم‌انگیز، پدر یکی از دانشجویانی که به شهادت رسیده بود، پس از ۱۴۲ بار تماس بی‌پاسخ، این پیامک را ارسال کرد: «جان پدر کجاستی؟...»

اما افسوس که جان پدر دیگر جانی ندارد...

این سه کلمه به هشتگی برای ابراز همدردی کاربران افغانستانی و ایرانی تبدیل شد.



نواحی تحت کنترل طالبان، گفتگو بین طالبان و دولت افغانستان و آزادسازی ۵۰۰۰ طالب قبل از شروع مذاکرات صلح است.

محمد اشرف غنی رئیس جمهور فعلی افغانستان، در ابتدا این خواسته را رد کرد و اعلام نمود آزادی زندانیان باید بخشی از مذاکره باشد نه پیش زمینه آن. اما سرانجام دستور آزادی ۵۰۰۰ طالب زندانی را صادر کرد.

در واقع هیچ صلحی در کار نبود بلکه صلح، تاکتیک طالبان بود. تاکتیکی برای رهایی ۵۰۰۰ جنایتکار از بند.

با آزادسازی این جنایتکاران، نیروی بیشتری به گروه طالبان تزریق شد. و حالا با ایجاد نا امنی و فشار بر دولت، این گروه خیال به دست گرفتن قدرت و ایجاد حکومت خود با نام امارات اسلامی افغانستان را دارد.

یکی دیگر از تاکتیک های طالبان این است که

دانشگاه کابل به دلیل مجاورت با وزارت تحصیلات عالی و به عنوان یک مرکز حساس از امنیت بالایی برخوردار است و وارد شدن به آن به راحتی انجام نمی پذیرد. ورود مهاجمان به این دانشگاه، نشان از آن دارد که تروریست ها در نهادهای حکومتی و امنیتی نفوذ دارند و با کمک آن ها وارد شده اند.

داعش مسئولیت این حمله را به عهده گرفته است، اما دولت معتقد است این عملیات توسط طالبان صورت گرفته است. چرا که ناامنی های اخیر در ادامه ی به بن بست خوردن مذاکرات صلح اتفاق افتاد.

مذاکرات صلح برای پایان دادن به جنگ های ۴۰ سال اخیر برگزار شد. در این مذاکرات، دو تیم ۲۱ نفره از سوی دولت و طالبان به همراه نمایندگان آمریکا حضور دارند. مفاد این معامله شامل خروج همه سربازان آمریکایی و ناتو از افغانستان، تعهد طالبان نسبت به جلوگیری از فعالیت القاعده در



آن بدبختی جوامع عقب افتاده از عوامل درونی ناشی میشود و اگر استعمارگران و جهان خواران در درون انسان ها و ملت ها پایگاهی نداشته باشند، نمی توانند کاری از پیش ببرند.

ملت افغانستان اگر می خواهند در اوضاع کشور خود تغییر ایجاد کنند و به این اوضاع نابسامان پایان دهند، باید خودشان تلاش کنند و نباید منتظر یک معجزه یا قدرت خارجی بود. برای پایان دادن به ناکامی ها و نابسامانی ها باید دست به انقلابی از درون زد، به دنبال ضعف ها جست و آنها را از بین برد. با شمع روشن کردن، تسلیت گفتن و ابراز همدردی هیچ دردی دوا نمی شود. جوانان و قشر تحصیل کرده افغانستان در برابر کشور خود مسئول هستند و باید با ارائه راهکارها و نوآوری ها در پیشرفت کشور خود کوشش کنند. باید با یک اتحاد و ایمان راسخ، در برابر جنایتکاران و سیاست های پلیدشان ایستاد.

افرادی که امنیت مردم را به خطر می اندازند برخورد کند. اما دولت اشرف غنی جز محکوم کردن لفظی، هیچ پاسخی به تروریست ها نداده است. همانا خداوند حال قومی را تغییر نمی دهد مگر آنکه آنان حال خود را تغییر دهند

همانطور که در آیه فوق پیداست تغییر و دگرگونی در خوشبختی یا بدبختی اقوام در درجه اول به خود آنها بازگشت می کند. سرنوشت ملت افغانستان قبل از هر چیز و هر کس به دست خودشان است و هر گونه تغییر در سرنوشت آن ها بر اساس تغییرات درونی و اراده آن ها شکل می گیرد.

این یک اصل قرآنی است و براساس

مسئولیت ناامنی ها را به عهده نمی گیرد و طوری می نمایاند که داعش و حتی دولت، مسئول ایجاد آشوبها است. طالبان با این کار، قصد ناکارآمد جلوه دادن دولت و موجه نشان دادن چهره خود را دارد؛ طوری که حمله به دانشگاه کابل را محکوم کرده است.

طالبان در طی ۴ دهه گذشته و اقدامات اخیر خود، نشان داده است تمایلی به صلح ندارد و امیدوار بودن به مذاکرات با این جماعت جاهل و با عقاید خشک و مضحک، حماقت است.

طبق ماده پنجم قانون اساسی افغانستان، تأمین امنیت از وظایف اساسی دولت است و دولت باید با

جو بایدن روایت دوستی یا محاصره؟



مریم حاجی محمدی
کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه تهران

شاید بیان این ادعا که موضع جو بایدن رئیس جمهور منتخب چهل و ششمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا را بتوانیم به همین زودی و قبل از مراسم تحلیف و شروع رسمی دوره ریاست جمهوری او مشخص کنیم کاری دور از ذهن و در حد گمانه زنی‌هایی سطحی باشد. اما بعد از روزهای پرفراز و نشیبی که این دوره از انتخابات آمریکا پشت سر گذاشت، ادعاهای ترامپ مبنی بر دزدیده شدن آراء و سخنان «رودی جولیان» وکیل شخصی دونالد ترامپ و بیان این مساله؛ که شواهد محکمی در دست داریم برای آنکه ثابت کنیم در انتخابات دست کم در سه، چهار یا حتی ده ایالت دزدی رای صورت گرفته است. رودی جولیان ادعا کرد که بیان نتیجه‌ی این انتخابات بر اساس آرای غلط رخ داده است و نمی‌توان اجازه داد که انتخاباتی بدون به چالش کشیده شدن به تاریخ بپیوندد و فراموش شود از سویی دیگر پذیرفته شدن این مساله که در انتخابات آمریکا تقلب صورت گرفته است و اعلام جهانی آن شاید به نوعی خودزنی ای باشد که قوانین داخلی آمریکا را مستقیماً مورد هدف قرار بدهد. پس از چالش‌های فراوان، اعتراضات گسترده‌ی طرفداران کمپین انتخاباتی دونالد ترامپ و اعتصابات آن‌ها در خیابان در نهایت «دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا پس از کشمکش‌های فراوان در نهایت اعلام کرد «جو بایدن» رقیب دموکراتش با تقلب در انتخابات پیروز شد.

ترامپ در پیامی توییتی نوشت: «او (بایدن) پیروز شد زیرا در این انتخابات تقلب صورت گرفت. [به این دلیل که] هیچ مراقب و ناظری راه داده نشد، رأی‌ها توسط شرکت‌های خصوصی چپگراهای افراطی و [شرکت] دومینیون که اعتبار بدی دارند برای شمارش دسته‌بندی شدند، دستگاه‌های خرابی که حتی نتوانستند در تگزاس مورد تأیید قرار گیرند (که من با اختلاف زیاد در آن پیروز شدم).»

رئیس جمهور آمریکا در توییت دیگری نوشت: «تمام «نقایص فنی» و ماشینی که شب بعد از انتخابات رخ داد در واقع



تشکیل کابینه و اعلام آن «جو بایدن» بدنبال آن است تا در پنتاگون (وزارت دفاع آمریکا) گروهی متشکل از هر دو حزب دموکرات و جمهوریخواه را تشکیل بدهد از همین رو تیم انتخاباتی وی در حال برنامه‌ریزی و جمع آوری افرادی هستند که در دوران ریاست جمهوری «دونالد ترامپ»، از این وزارتخانه اخراج شده‌اند. استفاده‌ی دوباره از مهره‌های کنار گذاشته شده نشان دهنده‌ی به کارگیری چه نوع سیاستی از بایدن می‌تواند باشد؟ تمامی این سوالات در گرو روی کار آمدن و شروع دوران رسمی ریاست جمهوری جو بایدن خواهد بود. همانطوری که جهان به نظاره‌ی نتیجه‌ی این انتخابات نشست، همانگونه هم تعیین و روشن شدن سیاست‌های کلی دولت جدید در آمریکا می‌تواند ضمانت بخش آینده‌ی روابط کشور‌های مختلف با این کشور باشد. آیا این سیاستمدار جهان دیده به دنبال اصلاحات و ترمیم روابط خدشه دار شده‌ی آمریکا با کشورهای مختلف است و قصد حرکت در مسیر صلح و ثبات دارد؟

دست آن‌ها را حین دزدیدن رأی‌ها رو می‌کرد. به هر حال آن‌ها بدون اینکه مچشان گرفته شود به میزان زیادی موفق شدند. انتخابات پستی شوخی کثیفی است». پیش از این ترامپ مساله‌ی عدم اعتماد خود به شیوه‌ی رای دهی پستی را اعلام کرده بود و اکثر طرفداران او کسانی بودند که به صورت حضوری به محل رای‌گیری مراجعه کرده بودند تا آرای خود را مستقیماً تحویل دهند.

یک قدم بعد از پیروزی؛ بررسی برنامه‌های آتی بایدن: پس از اعلام رسمی پیروزی جو بایدن و پذیرفتن این مساله توسط دونالد ترامپ طرفدار سفت و سخت قضیه‌ی تقلب در انتخابات تمامی اذهان به این مساله مشغول شد که شرایط و سیاست‌های انتخابی جو بایدن در برابر کشورهای مختلف دنیا چگونه خواهد بود؟ آیا بایدن همان شخصیت «جوی خوابالو یا جوی چرتی» ای بود که ترامپ در مصاحبات و مناظرات خود اعلام کرده بود و علیه او جبهه‌گیری داشت یا اینکه سیاست‌هایی که قصد اتخاذ آن‌ها را دارد مسیری پر فراز و نشیب را طی خواهد کرد؟ تشکیل کابینه توسط بایدن و رایزنی با اخراجی‌های پنتاگون: به گزارش مستقیم واشنگتن‌پست، «جو بایدن» رئیس‌جمهوری منتخب آمریکا در حالی که مشغول دوچرخه‌سواری بود، در پاسخ به پرسش خبرنگاری در خصوص این‌که آیا به تصمیم درباره‌ی تشکیل کابینه نزدیک شده‌اید، گفت: بله. در همین حال، برخی گمانه‌زنی‌ها در آمریکا حاکی از آن است که با توجه به سابقه‌ی بایدن و استفاده از یک معاون خانم، زنان در دولت آینده بایدن نقش پررنگی خواهند داشت. در ادامه‌ی شکل‌گیری مذاکرات و



◆ قره‌باغ، توقف جنگ، آغاز چالش‌ها

◆ سمیرا کریمشاهی

◆ کارشناسی ارشد خاورمیانه دانشگاه تهران

سرانجام دور جدید نزاع آذربایجان و ارمنستان بر سر منطقه‌ی قره باغ، در چهارمین آتش‌بس طرفین به توافقی به نظر باثبات تر از سه توافق پیشین ختم شده است. در توافق اخیر که روسیه نقش اصلی میانجی‌گری را ایفا کرد، مهم‌ترین مفاد این توافق شامل تثبیت حضور آذربایجان در مناطق بازپس‌گیری شده، عقب‌نشینی ارمنستان و استقرار نیروهای حافظ صلح روسیه در مناطق اصلی مورد مناقشه در قره‌باغ است.

هرچند ارمنستانی‌ها به شدت از پذیرفتن این توافق که به منزله‌ی قبول شکست برای کشورشان است معترض هستند، اما با توجه به روند جبهه جنگ و وضعیت دست بالای آذربایجان در پشتیبانی خارجی شاید بتوان گفت جز پذیرش طرح روسی، گزینه‌ی مطلوب‌تری برای دولت پاشینیان وجود نداشت.

توافق دارای دو ابهام جدی به ویژه برای ایران است، ابتدا تعیین کریدور اتصال غرب آذربایجان به منطقه نخجوان این کشور است. چندین نقشه که عمدتاً از منابع روسی بوده‌اند خط این مسیر جدید را به گونه‌ای ترسیم کرده‌اند که مرز ایران و ارمنستان به کلی قطع می‌شود. هرچند عباس عراقچی معاون وزیر خارجه خطوط احتمالی به این شکل را تکذیب کرده است اما همچنان مسیر مشخص این کریدور در ابهام است و اگر قرار باشد نقشه‌های روسی به مرحله‌ی اعمال نهایی برسند باید گفت ایران بیشتر از آنچه که از تصور شده به وزنه‌ی ژئوپلیتیکی‌اش در مرزهای شمالی ضربه وارد می‌شود. از طرف دیگر در توافق هیچ اشاره‌ای به سرنوشت تکفیری‌هایی که از جانب ترکیه به آذربایجان آمدند، نشده است و اگر

قرار باشد انفعال دیپلماسی ایران را در کنار این وضعیت مبهم شاهد باشیم، باید پرداخت هزینه‌ی آن را با احتمال تبدیل شدن مرزهای شمال غربی ایران به جولانگاه تروریست‌ها پردازیم.

تسویه حساب‌های پوتین در زمین بازی قره‌باغ. دهه‌ها از فروپاشی شوروی و تشکیل کشورهای حوزه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز می‌گذرد اما روسیه با استفاده از تاثیرات پیوند تاریخی مشترک همچنان نقش پدرخواندگی خود را در این منطقه حفظ کرده و از طرفی دولت‌های این کشورها وابستگی به روسیه را در روند سیاست‌های خود کم و بیش دارند. و بارها در خلال حوادث متعدد ثابت شده روی‌گردانی از روسیه باعث خواهد داشت به وقت خودش دولت روسیه تبعات آن را گوشزد کند.

نیکول پاشینیان که از سال ۲۰۱۸ از سوی پارلمان ارمنستان به مقام نخست‌وزیری این کشور رسید، همواره به عنوان یک چهره غرب‌گرا مطرح بوده که برای نخست‌وزیری و تشکیل دولت هم با حزب روس‌گرای جمهوری‌خواه ارمنستان در رقابت بود. پاشینیان در مدت نخست‌وزیری خود همواره سعی کرده با نزدیکی و افزایش همکاری با نهادهای اروپایی همچون ناتو و اتحادیه اروپا از نقش و نفوذ روسیه در کشور خود بکاهد. اما در بحران قره‌باغ با وجود اینکه کشورهای اروپایی در وضعیت تنش دیپلماتیک با ترکیه به عنوان مهم‌ترین بازیگر جبهه آذربایجان هستند اما ارمنستان حمایت جدی و اعمالی از سوی غرب ندید و به کاخ کرملین متوسل شد. به نظر

می‌رسد پوتین قره‌باغ را به عنوان فرصت برای تنبیه پاشینیان در نظر گرفت. ابتدا به بهانه‌ی اینکه آذربایجان به سرزمین‌های رسمی ارمنستان وارد نشده از پشتیبانی نظامی از ارمنستان امتناع کرد. و هنگامی که جبهه آذربایجان وضعیت مناسبی در پیشروی خود داشت روسیه به عنوان میانجی و نه حامی ارمنستان به عنوان مهره‌ی اصلی انعقاد توافق به ایفای نقش پرداخت.

از طرف دیگر همزمان با آتش بس طرفین در قره‌باغ، نیروهای نظامی روسیه در ادلب روسیه، در چندین مرحله جبهه‌های تکفیری تحت حمایت ترکیه را بمباران کردند. که همزمانی این دو رخداد و سکوت ترکیه در واکنش به اتفاقات شمال سوریه، این احتمال را برای کارشناسان منطقه ایجاد کرده که روسیه امتیازاتی را که در قره‌باغ به ترکیه تقدیم کرده در جبهه سوریه تسویه خواهد کرد.

جایگاه ایران در بحران قره‌باغ

اغراق نیست اگر بگوییم مسئله‌ای همچون قره‌باغ جز پیچیده‌ترین پرونده‌های سیاست‌خارجی کشورمان است. از طرفی واقعیت امر نشان می‌دهد سرزمین‌های قره‌باغ متعلق به آذربایجان است و حضور ارمنستان در این مناطق اشغالگری محسوب می‌شود. و تایید این امر از جانب ایران مانع از حمایت یک جانبه از ارمنستان می‌شد علاوه بر این فعال شدن محفل‌های پانترکسیم به منظور تحریک مسائل قوم‌گرایانه در مرزهای شمال غربی یک زنگ هشدار امنیتی برای ایران به صدا درآورده بود. در جبهه آذربایجان هم



بحرانی شکل بگیرد و از حضور دشمن در خاک همسایه ناراضی باشیم اما دستان خود را از پیش برای بازیگری فعال بسته‌ایم! البته این وضعیت ایران در کل منطقه قابل تعمیم نیست و ممکن است در امور دیپلماسی همچون نشست‌های آستانه، ایران جز ارکان اصلی باشد که باید متغیر تاثیرگذار محور مقاومت و در نظر گرفتن آن به عنوان پشتوانه دیپلماسی ایران مورد توجه قرار داد. نمی‌توان توقع داشت بدون یک عقبه‌ی پروژه‌محور و زمینه‌سازی‌های لازم، ناگهان در میانه‌ی بحران‌ها به عنوان میانجی یک طرح توافق را مطرح کنیم و دیگر بازیگران که برای نفوذ خود سرمایه‌گذاری در حوزه‌های قدرت نرم و سخت انجام داده‌اند، از حضور ما استقبال کنند. نکته‌ی دوم به فضای داخلی کشور بازمی‌گردد، نباید تاثیر بحران‌های اقتصادی و سیاسی داخلی و ناکارآمدی‌های موجود را بر اقتدار منطقه‌ای کشور نادیده گرفت. امتداد وضعیت موجود و حتی تشدید آن قطعاً بر وزنه‌ی منطقه‌ای ایران تاثیرگذار است و قواره‌ی میانجی‌گری در بحران‌های منطقه‌ای به تن سیاست‌خارجه ما نخواهد خورد

ملاحظات متعددی از جمله ائتلاف‌سازی‌های در این جبهه که شامل رژیم‌صیہونیستی و ترکیه و حضور گروه‌های تکفیری/تروریستی تحت حمایت ترکیه بود، ایران را روانه‌ی میانه‌ی میدان می‌کرد. وزارت خارجه ایران از یک طرح ابتکاری صلح به منظور پایان بخشیدن به بحران قره‌باغ رونمایی کرد و بر سر آن با کشورهای درگیر بحران رایزنی‌هایی انجام داد. هرچند عراقچی مدعی شده طرح روسی که منجر به توافق طرفین شد همانند طرح ایران است اما متأسفانه باید به یک حقیقت تلخی اعتراف کرد که سیاست خارجی ما به دو دلیل عمده یک بازیگر منزوی در قفقاز بود. ابتدا اینکه نگاه سیاست خارجی ما در سال‌های اخیر عمدتاً غرب‌گرایانه بوده و ما در همگرایی با همسایگان به ویژه منطقه قفقاز و آسیای میانه شاهد یک ره‌اشدگی مشهود بوده‌ایم و برای بالفعل‌سازی فرصت‌ها برای گره‌زدن منافع مشترک چندان اراده‌ای وجود نداشته. طبیعی است که جای خالی ایران در کشورهای همسایه با رقبای منطقه‌ای ما پر شود. آنها فرصت را برای محدودسازی گستره‌ی کنشگری منطقه‌ای ایران غنیمت می‌شمارند و ما زمانی به خود می‌آییم که



پایان جنگ قره باغ
ایران بازنده بزرگ جنگ های منطقه ای

♦ امیرحسین ناصحی
♦ کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه تهران

این جنگ با همه شایعات و حقایق و با تمامی حواشی خود به پایان رسید حال بیابید با نگاهی کلی و سیر گونه این جنگ را مورد بررسی قرار دهیم. قبل از شروع لازم می دانم بگویم رسالت ما به عنوان دانشجو تحلیل و نگارش بدون هیچ گونه جهت گیری و نوشتن دینا و حقایق صرف است.

جنگ قره باغ در مهر ماه ۹۹ آغاز شد در طول جنگ تمامی رجال ایران نگاهی منطقی عقلانی و گاه محتاطانه به این واقعه داشتند این نوع نگرش خوب است تاجایی که به نوعی خاص از ساده لوحی منجر نشود چرا که ساده لوحی سم روابط بین الملل است.

در ابتدای جنگ خبرگزاری تی آر تی ترکیه سوالی مطرح می کند: آیا درگیری آذربایجان و ارمنستان می تواند به ایران سرایت کند؟

این خبرگزاری در گزارشی شیطنت آمیز از احتمال بروز تنش در ایران در صورت تداوم جنگ قره باغ نوشته است. بدیهی است که این اقدامی در جهت تحریک قومی صورت گرفته است.

بعد گذشت مدتی بشار اسد (رییس جمهور سوریه) در مصاحبه با اسپوتینک اسپور: ترکیه را آغاز گر و تحریک کننده اصلی دور تازه تنش ها در قره باغ توصیف کرد وی در این مصاحبه می گوید دمشق می تواند ثابت کند ترکیه مبارزان خود را از سوریه به قره باغ می فرستد.



قابل درکت بود که هموطنان آذری زبان به دلیل اشتراکات زبانی و فرهنگی خواستار حمایت جمهوری اسلامی ایران از آذربایجان باشند اما حمایت بی قید و شرط به دور از تعقل است در واقع باید برای کسی بمیریم که برایمان تب کند!!

اردوغان با افزایش نفوذ خود در باکو و هدایت تروریست های تکفیری به شمال ارس تلاش می کرد بحران در قره باغ را چنان کور کند که برای باز کردنش از ایران و روسیه امتیاز جدی بگیرد که با ارسال تجهیزات سنگین نظامی تیپ زرهی امام زمان ایران و همچنین آماده سازی نیروی هوایی روسیه جهت حمله ای گسترده به اردوگاه های آموزش تروریست تکفیری تلاش های اردوغان را خنثی کرد. البته در این میان کلاه گشادی بر سر علی اوف رییس جمهور آذربایجان گذاشتند حضور سه هزار تروریست تکفیری در آذربایجان شاید در مقطعی مشکل گشا باشد اما در آینده چالش های هولناکی را در این کشور و حتی در منطقه به وجود خواهد آورد.

چندی بعد سازمان عفو بین الملل با صدور بیانیه ای استفاده ارتش جمهوری آذربایجان از بمب های خوشه ای در حمله به شهر استپاناکرت مرکز ناگورنو قره باغ را محکوم کرد. عفو بین الملل می گفت با توجه به تصاویر منتشر شده از سوی منابع ارمنی از درگیری ها ادعای استفاده از بمب های خوشه ای تایید می شود. اگر لختی تامل کنیم و توان نظامی آذربایجان را بسنجیم متوجه خواهیم شد که بمب خوشه ای نمی تواند بسازد و استفاده کند. بدیهی است که اسرائیل این قابلیت را در اختیار آذربایجان قرار داده است. روزنامه هارتس نوشت در دو هفته اخیر پروازهای باربری حامل اسلحه اسرائیلی به آذربایجان به میزان چشمگیری افزایش یافته است در

دوران ویروس کرونا فرودگاه اسرائیل سوت و کور است و پرواز خارجی وجود ندارد اما خط هوایی باربری در مسیر تل آویو - باکو شاهد شکوفایی است.

در این مدت ارمنستان و آذربایجان سه بار با یکدیگر توافق آتش بس امضا کرده بودند که هیچ کدام از آنها دوام نداشت. اما توافق چهارم با توجه به ورود روسیه تداوم یابد. این توافق سه شنبه ۲۰ آبان ماه حاصل شد ارمنستان متعهد شد مناطق آقدام کلبجر و لاپچین را به جمهوری آذربایجان دهد روسیه نیز در جهت تداوم صلح تعداد کثیری از نیروهای خود را در قره باغ کوهستان و جاده لاپچین مستقر کرد.

متن کامل توافق نامه در سایت های خبری موجود است نکته حائز اهمیت این است که ترکیه با گنجاندن بندی در توافق نامه پایانی جنگ کریدور ترانزیتی بین آذربایجان و نخجوان را که پیش از این از ایران می گذشت به داخل ارمنستان منتقل کرد و قدمی مطلوب در کاهش وزن ژئوپولیتیکی ایران برداشت. نتیجه حاصل شده این است که تسلط ایران بر باکو کم شد شاید دلیل این امر درگیری کشور در مسائل داخلی باشد. بدیهی است که وقتی شما مدل بازی مطلوب خود را تعریف نکنی مجبوری طبق بازی دیگران بازی کنی!